• جلسه ۳۲۰ •

• روز ۱ شنبه ٦ تیرماه ۱۳۳۸ •

مجله

مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز ۱ شنبه ششم تیر ماه ۱۳۳۸

فهرست مطالب:

۱) تصویب صورت مجلس

۲) بیانات قبل از دستور - آقایان: بزرگ ابراهیمی - دکتر مشیر فاطمی

۳) طرح و تصویب گزارش اصلاحی مجلس سنا راجع بتربیت پزشک برای بخشها و شهرستانها

٤) طرح و تصویب گزارش اصلاحی مجلس سنا راجع بتأسیس دانشکده افسری شهربانی

٥) شور اول گزارش کمیسیون کشور راجع بوظایف و اختیارات استانداران

٦) تعیین موقع و دستور جلسه بعد - ختم جلسه

❀❀❀

مجلس دو ساعت پیش از ظهر بریاست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - اسامی غائبین جلسه پیش قرائت میشود

(بشرح زیر قرائت شد)

غائبین با اجازه - آقایان: محمودی • حشمتی • دکتر پیرنیا • کورس • بوربور • دهقان • اورنك • تیمورتاش • دکتر ضیائی جلیلوند • امیر بختیار • رامبد • اعظم زنگنه • جلیلی • مسعودی • شادمان • عامری • دکتر امیر نیرومند

غائبین بی اجازه - آقایان: دکتر طاهری • اربه • قرشی • دکتر فریدون افشار سلطانمراد بختیار

دیر آمدگان و زود رفتگان با اجازه - آقایان: بزرگ نیا • مهدوی • موسوی • صدرزاده • خرازی • بزرگ ابراهیمی • دکتر شاهکار •

رئیس - نسبت بصورت مجلس اعتراضی نیست؟ (آقایان اجازه میفرمائید) بفرمائید •

فلیکس آقایان - در تندنویسی در عرایض بنده یك اشتباهی شده اگر اجازه بفرمائید اصلاح میکنم و تقدیم می کنم •

رئیس - بسیار خوب نسبت به صورت مجلس دیگر نظری نیست؟ (اظهاری نشد) صورت مجلس جلسه قبل تصویب شد

۲ - بیانات قبل از دستور - آقایان: بزرگ ابراهیمی - دکتر مشیر فاطمی

رئیس نطقهای قبل از دستور شروع میشود، آقای بزرگ ابراهیمی

بزرگ ابراهیمی - در زندگانی اتفاقاتی بعضی اوقات میافتد که مورخین از آن بی خبرند و چون خیلی در انظار جلوه نکرده در تاریخ ذکر نمیشود اینگونه اتفاقات اگر در یك همچو جلساتی که از طرف ملت نمایندگانی در آنجا هستند مطرح شود اقلا یك گوشه از تاریخ را روشن میکند بنده میخواستم امروز بهمکاران محترم مراحمت بدهم و استدعا بکنم بعرایض من چند دقیقه راجع باوضاع بعد از سوم شهریور ۱۳۲۰ و این اتفاقات توجه کنند بعد از اینکه آقایان غاصبین آمدند و بدون هیچ مجوز قانونی اساس زندگی ما را بهم ریختند اسمشان را گذاشتند که ما آمدیم برای دفاع از حقوق بشریت در یکقسمت از آذربایجان که در تحت نفوذ هیچکدام نبود یعنی منطقه مهاباد که امروز بنده افتخار نمایندگی آنجا را دارم آنها انواع و اقسام اعمال نفوذ و قدرت میکردند و زعمای قوم و بزرگان مملکت جماعتی که در آنجا تبعید بودند می آوردند تهدید میکردند وعده میدادند هزار جور حقه بازی در آوردند که بلکه در آنجا یك استفاده هائی بنفع خودشان بکنند ولی میسر نشد آمدند یك نقشه عوامانه ای کشیدند و گفتند یك عده از اینها را خودمان در داخل مملکتمان دعوت می کنیم و میبریم بداخل مملکتهای خارجی آقای عباسی شاهدند عده ای در حدود ۳۰ نفر از مهاباد و ۲۰ نفر از آقایان شکاك و بیك زاده و جلالی و میلانی و ۵۰ یا ٦۰ نفر از شاهسونها و ده بیست نفر از محترمین تبریز عده ای از متنفذین این شهرستانها را بزور دعوت کردند بمهمانی باکو آنوقت رئیس جمهوری قفقاز یعنی آذربایجان آنجا یکی از تروریستهای مشهور بنام میرجعفر باقراف بود که در زیر دست بریا انجام خدمت تروریستی میکرد و بعد هم محکوم شد بدست همین آقایان جدید و گفتند که این کافر بود و از یکی بود و باید کشته بشود اینها معمولشان است امروز یکنفر پیغمبر است و فردا شیطان میشود آنروز میرجعفر باقراف یکی از اعضای معتبر حزب بود و در رأس جمهوری آذربایجان م قفقاز و فردا گفتند که فردی ضد کمونیست بوده و بسرمایه داری کومك میکرده و کشتندش آنوقت که این آقا پیغمبر عصر بود شبی یك عده ای از زعمای اکرادرا جمع آوری میکند بیك جلسه محرمانه ای که در رأس آن میرجعفر باقراف در اطرافش آقای امیر اصلان کمیسر کمونیست ارتش و عزیز علی اف کمیسری که در اشغال آذربایجان شرکت داشتند در این جلسه بودند یك مصروع عربی که اصلا ایرانی نیست از بین النهرین بایران آمده منتهی جنبه روحانی پدرش را در انظار یکقدری محفوظ نگه داشته بود به اسم حاجی باباشیخ و همین کسی بود که محمد قاضی را وادار میکند که ادعای جمهوریت کردستان بکند این مصروع این بیان را شروع میکند بعد میرجعفر باقراف بیان میکند و شروع می کنند به اینکه شما یك ملت همچنین هستید فلانید باید استقلال بگیرید دولت استالین برای شما همچو خدمت میکند زحمت می کشد حاضر است همه چیز و همه قسم اسلحه تسلیم بکند و همه جور کمك بکند خدا بیامرزد فرمانی آقا مامش امیرهشایر که یکی از بزرگان این دوره مملکت است بلند میشود می گوید که آقای باقراف افتخار ما با ایرانیت ماست ما مردمانی هستیم تاریخ ما را ۲۵۰۰ سال است ایرانی شناخته بدبختانه تو

اداره تندنویسی و تحریر صورت مجلس

خودت هم ازمائی وحالا حاشا کردی خیال میکنی این عمل ازماهم ممکن است اینجا درتحت سلطه توواقع شده ایم قدرت داری من را نابود بکنی ولی با کمال رشادت می‌گویم که ما ایرانی هستیم وتا ایران است پارصمیمی وخدمتگزار پادشاه ودولت ایران هستیم وشما از این پیش آمد و از این اتفاقات جزیك اشتباه چیزی برایتان باقی نخواهد ماند این همان مردی است که درزمان قاضی هم ژنرال قنسول تبریز و ژنرال کلینسکی فرمانده سپاه رفت بخانه اش وپیشنهاد کردند که بیاورد رئیس جمهور کردستان بشوگفته بود جناب ژنرال اگردرخانه من مهمان نبودی از این بالا پرتت میکردم پائین و قطعه قطعه ات میکردم من ایرانی هستم یك مملکت دارم درتحت اداره یك شاهنشاه ورعیت مقتدراو هستم وخدمت میکنم(احسنت) این جوابی بود که داده بود مرد دومی که جواب داده بود مرحوم امیراسعد دیکری پسر مرحوم آقای عباسی بود بعد از شرحی که داده بود که آقایان شما اشتباه میکنید ما مردمانی هستیم که خودمان را از خیلی ایرانیها ایرانی ترمیدانیم آخرش گفته بود برای اینکات آقا یك عرض بکنم شما در مظان تهدیدید وممکن است فردا آلمانها ازمسکو بیایند و شما را از بین ببرند اول فکر خودتان باشید بعد باما صحبت بکنید باهمه این تجربیات که درتاریخ زندگی ما آقایان دردست دارند بازرادیوی تازه‌ای ساخته اند بنام رادیوی ملی دارد حرفهای پوچ وپلامیزند بنده این عرایضی که میکنم وتصدیع به آقایان میدهم برای این است که فقط میخواهم به این آقایان بفهمانم که برادران عزیز شما آن روزی که درمظان تهدید بودید وآن روزی که آقایان بایك پروازشمارا خرد وخاکشیر میکردما خدیم برای همایل پیروزی زحمت کشیدیم نان خودمان را دادیم بسر بازشما خوردو خودمان گرسنگی کشیدیم این خیلی بی حیائی میخواهد فاصله مدت کمی مثل همان سید جعفر باقراف که یکروزی پیشبیز بودو بعد محکوم بداعدامش کردیدو گفتید که شیطان است حالا مثاوا هم محکوم بزوال بکنید وبگوئید که ایران مرتجعترین ملل است و این چنین و آن چنان مجلسش اینطور و کارکرش این سیو واست وکارش این جور آقا برو بکن نان شوربت رابکن که خربزه آب است این گفتگوهائی که دراین رادیو ها میکنی خداشاهد است بگوش این ملت ازوتنی رود حتی بمن تحمیش رابیشتر می کند که ما بیشتر ازپدرتان نسبت بشما بدین بشویم و ملت اگرهاملفور بشود روآنهم بنفع جامعه اصول ایرانی است عرض دیگری هم ندارم (احسنت)

رئیس - آقای دکتر مشیر فاطمی

دکتر مشیر فاطمی - عرض بنده امروز راجع بلایحه کارمندان پیمانی است درجرائد خواندم که کمیسیونهای محترم مجلس سنا یك تغییراتی در این لایحه داده‌اند بنده نفهمیدم قبل ازاین که لایحه درجلسات علنی مجلس محترم سنا مطرح بشود یك تذکری عرض کرده باشم اصولا منظور ازتقدیم این لایحه وتصویب آن در مجلس شورای ملی این بود که کارمندان دولت یکنواخت بشوند(صحیح است)هیچ منظوری نبود ازاینکه که بازدودستگی سه دستگی ایجاد بشود شاید اساساً بهتر باشد که کارمندان دولت درتمام دستگاهها یك اشل حقوق معینی داشته باشند(صحیح است)و فلان مهندس که کارش مشکلتر است یافلان استادی که مشکلتر است یك حق بستی بهش اضافه بدهند ولی خوب این البته احتیاج بمطالعه خیلی طولانی دارد و داشتن یك بودجه خیلی قوی که الان متأسفانه موجود نیست اسابنده عرضم این است که اگر مابخواهیم باز کارمندان بنگاهها و کارمندان شهرداری‌ها رااز کارمندان دولت جدابکنیم همان عیبی که تابحال موجود بوده است بدتر وشدیدتر پیدا میشود (صحیح است) چه شده است که کارمند شهرداری را اگر تخلفی بکند بدیوان کیفر می برند ولی ازمزایای بازنشستگی وازقوانین ومقررات دولت که یك امتیازی برای آن ها دارد استفاده نکند اگر تخلف کرد کارمند دولت مطابق تمام مقررات مربوط بیك کارمند دولت بودتعقیبش میکنید این است که بنده خواستم دراینجا یك پیامی برای آقایان سناتورهای محترم که تبحر کامل وسوابق ممتدی دارند بفرستم وازشان استدعا بکنم که این لایحه را با یك توجه بیشتری موژد رسیدگی در جلسات علنی قراردهند ونگذارند که این اتحادی که برای کارمندها ایجادشده وبتصویب مجلس هم رسیده بهم بخورد عرض دوم بنده این بود که چون بیاناتی جناب آقای بزرك ابراهیمی فرمودند بنده دراین مدت هیچوقت راجع بمطالب خارجی عرضی نکرده بودم ولی اتفاقاً چندشب قبل بنده هم گوش دادم باین رادیوی خارجی که بیاناتی میکرد و واقعاً متأسف شدم وچقدر متأسف شدم برای اینکه بمقدسات ملی ما توهین میکند بمقدسات ملی ما که همیشه در فرمایشات خودشان شاهنشاه ایران بنمایندگان بجرائد راجع بحسن رابطه باذول همسایه اشاره میفرمایند ومن عقیده دارم که دولت شوروی باید ازاین حسن نیت شاهنشاه ما حداکثر استفاده را بکند امروزغیر ازده سال ۲۰ سال پیش ازاین است امروز بعقیده بنده تمام ملت ایران با اعلیحضرت محمد رضاشاه هستند ویك صدا هستند (صحیح است) بیانات عباس دیبا ولدبیر وحسن اداره اعلیحضرت وصمیمیت ومرحمتی که برمردم این مملکت دارند اینها را با هم یکی کرده است وجدائی ناپذیرند و من خیلی دلم میخواست یك وسیله‌ای بوددولت شوروی یکعده‌ای را میفرستاد بایران که بروند توی دهات ایران بروند. این طبقات سوم دچه‌ارم را ببینند که اینها راجع بشاه ما چه می گویند ببینند چه علاقه‌ای دارند ولی متأسفانه این کار را نمی کنند ممکن است مردم از دولت شکایتی داشته باشند ولی ازشاه هیچ نمیشود پیش دهاتی بدون صلوات وسلام اسم برد میگوید هر چه‌دارم ازاوست چون وضع ما فرق کرده است امروز تمام کشاورزان ما رادیو وصبل وصندلی دارند بنده خیال نمیکنم که درشوروی صبل ورادیو داشته باشند البته یك مملکتی هستیم در تحول ونمیشود گفت که امروز تمام وضع ما درست است تنها در ایران بعقیده بنده چیزی که واقعاً باید درش خیلی کوشش کرد تهیه مسکن است چون چهل درصد مخارج مردم صرف مسکن میشود این راهم مشغول شده‌اند تدبیر بکنیم یکی دوسال دیگر درست میشود برای این کار فکر اساسی هم دارند میکنند که مسکن مردم را فراهم بکنند و امیدواریم که انشاءالله وسائلی فراهم بشود واین همسایه محترم شمالی نیز بدبمقاید حقیقی ملت ایران دوست از این اراجیف و یاوه گوئیشان بردارند (احسنت)

۳- طرح وتصویب گزارش اصلاحی مجلس سنا راجع به تربیت پزشك برای بخشها وشهرستانها

رئیس - واردد ستور میشویم لایحه‌ای راجع بتربیت پزشکان شهرستانها بسنا فرستاده شده دراینجا باقید فوریت مطرح شده بود وتصویب شد در انجا هم باقید فوریت مطرح کرده‌اند وتصویب کرده‌اند فرستاده‌اند مختصر تغییری کرده یعنی یك تبصره‌ای اضافه کرده‌اند که قرائت میشود وآقایان مستحضر خواهند شد اگر بااضافه شدن آن تبصره موافقت بکنید رأی نهائی گرفته خواهد شد نظر آقای وزیر بهداری راهم خواهیم خواست حالا لایحه مجلس سنا ولایحه اصلاحی قرائت میشود

(بشرح زیر قرائت شد)

ریاست محترم مجلس شورای ملی

لایحه شماره ۶۴۲۲۶ مورخ ۲ر۱۰ر۱۳۲۶ دولت راجع به تربیت پزشك برای بخشها وشهرستانها که طی مرقومه شماره ۲۴۷۹ مورخ ۱۲ر۳ر۱۳۲۸ ازمجلس شورای ملی بمجلس سنا اعاده شده بود در جلسه روزشنبه ۲۹ خردادماه ۱۳۲۸ مجلس سنا مطرح وچون پیشنهاد فوریت رسیده بود پنج‌ورد فوریت تصویب وپس از افزودن یك تبصره ماده چهار لایحه بدون تغییر سایر قسمتها بمجلس رسید. اینك یك نسخه از لایحه مصوبه فوق برای استحضار عالی وطرح مجدد درمجلس شورای ملی بضمیمه ایفاد می‌شود.

رئیس مجلس سنا- محسن صدر

لایحه راجع به تربیت پزشك برای بخشها وشهرستانها

ماده ۱- بمنظور کمك بتأمین پزشکان مورد احتیاج شهرستانها وبخشها ودهات تابعهٔ آنها هریك ازدانشکده‌های پزشکی طهران وشهرستانها مکلف هستند که از تاریخ تصویب این قانون همه ساله حداقل بیست درصد عده داوطلبانی را که ازطریق مسابقه انتخاب میکنند ازمیان فارغ التحصیل های بومی شهرستانها ونقاط تابعهٔ آنها از طریق مسابقه‌ای که دردانشکده‌های پزشکی مربوطه انجام می گیرد وآئین‌نامه آن از طرف وزارت فرهنگ اعلام خواهد شد انتخاب نمایند. این دانشجویان باید تعهد نمایند که پس ازپایان تحصیل لااقل برابر سالهای تحصیل پزشکی در شهرستانها و بخشها ودهات ناحیه‌ای که از آن انتخاب شده‌اند بشغل پزشکی مشغول شوند. تنظیم مقررات مسابقه بعهده وزارتین فرهنگ و بهداری بوده و. تعیین سؤالات مسابقه از طرف دانشکده پزشکی مربوطه تهیه می گردد.

تقسیم این عده بین شهرستان ها وبخشهای دهات با توجه باحتیاجات هرمنطقه بعهده بهداری استان می‌باشد.

ماده ۲- وزارتخانه‌ها ومؤسسات عمومی ازدولتی یا ملی وشهرداری‌هائی که بخدمت پزشکی در شهرستان‌ها احتیاج دارند میتوانند دردرجه اول بداوطلبانی که طبق ماده یك انتخاب می‌شوند یا در صورت احتیاج بعده اضافی دیگر از دانشجویان دانشکده‌های پزشکی کمك هزینه تحصیلی پرداخت نمایند وآنان را متعهد سازند که پس ازپایان تحصیل پزشکی درخدمت آن وزارتخانه یا مؤسسه درآیند.

این قبیل دانشجویان باید پس از خاتمه تحصیل برابرمدتی که کمك هزینه دریافت نموده‌اند ودرهرنقطه که آن وزارتخانه یا مؤسسه تعیین میکند خدمت نمایند. دانشجویانی که از کمك هزینه وزارت بهداری استفاده نموده‌اند موظفند سه سال اول خدمت خود را دربخشها وبقیهٔ آن رادر شهرستانهائی که وزارت بهداری تعیین می کند انجام وظیفه نمایند.

تبصره - میزان و شرایط پرداخت کمك هزینه را وزارت بهداری تعیین خواهد نمود.

ماده ۳- وزارت فرهنگ بفارغ التحصیلان مشمول مواد یك ودو پروانه موقت برای طبابت ویا خدمت پزشکی درمحل یاحوزه معینی که از آن انتخاب شده‌اند می‌دهد و پروانه دائم باین عده موقعی داده خواهد شد که اتمام تعهدات خود را انجام داده باشند.

ماده ۴- ازتاریخ تصویب این قانون فارغ التحصیلان دانشکده‌های پزشکی کشور موظفند ۲ سال اول اشتغال بطبابت را دوبنقاطی غیرازشهرهائی که دارای دانشکده پزشکی میباشند انجام دهند.

رئیس- این همان تبصره‌ایست که در مجلس سنا اضافه شده. آقایان توجه بفرمایند.

تبصره- فارغ التحصیلانی که درمسابقه های دانشکده‌های پزشکی شرکت کرده و موفق میشوند مشمول این ماده نمی‌باشند.

ماده ۵- دانشجویانی که کمك هزینه دریافت نموده‌اند هرگاه پس ازخاتمه دوره تحصیلی ازانجام تمام یا قسمتی از تعهدات خود احتناب نمایند بایستی ۳ برابر کمك هزینه‌ای را که دریافت نموده‌اند یا بنسبت مدتی که انجام تعهد نکرده‌اند بخزانه وزارت خانه یامؤسسه مربوطه نقداً پرداخت نمایند ودرغیراین صورت حق دریافت پروانه طبابت رانخواهند داشت.

ماده ۶- سال تاریخ تصویب این قانون درصورتیکه در مراکز استان هائی که دارای دانشکده پزشکی هستند احتیاج به ادامه کار آموزشگاه عالی بهداری نباشد وزارتین فرهنگ و بهداری میتوانند از پذیرفتن داوطلب جدید خودداری نموده وبجای آن درنقاطی که لازم بدانند اقدام بتأسیس آموزشگاه‌های مذکور نمایند ولی درهر صورت دانشجویانی که دراین آموزشگاه مشغول تحصیل هستند تحصیلات خود را با شرایط سابق ادامه خواهند داد.

تبصره- فارغ التحصیلان آموزشگاه‌های عالی بهداری کنونی درصورتی که معدل نمرات ۴ سال آنها از ۱۴ کمتر نباشد و از عهده امتحانات مواد اساسی سال‌های اول ودوم وسوم دانشکده پزشکی مربوطه برآیند میتوانند در سال چهارم آن دانشکده ادامه تحصیل بدهند وتعهدات خود را پس ازخاتمه تحصیلات پزشکی انجام بدهند.

ماده ۷- وزارتین فرهنگ وبهداری مأمور اجرای این قانون میباشند.

لایحه فوق مشتمل بر ۷ ماده و ۳ تبصره درجلسه روزشنبه بیست ونهم خرداد ماه ۳۸ شمسی بتصویب مجلس سنا رسیده است.

رئیس مجلس سنا- محسن صدر

صادق راثی- خواهش میکنم تبصره‌ای که در مجلس سنا علاوه شده مجدداً قرائت شود.

(بشرح زیر خوانده شد)

تبصره- فارغ التحصیلانی که در مسابقه های دانشکده های پزشکی شرکت کرده وموفق میشوند مشمول این ماده نمیباشند.

رئیس- آقای دکتر شاهکار

دکتر شاهکار- بنده راجع بلایحه عرضی ندارم یك نامه‌ای است ازاهالی خرمشهر رسیده که چون متأسفانه آقای دکتر راجی که نماینده آنجا بودند مستعفی هستند این فال بنام بنده افتاده بنده مخصوصاً توجه مقام محترم ریاست را جلب میکنم هرایشان فوق العاده قابل توجه است بوزارت خانه مربوطه امر بفرمایند که رسیدگی بکنند.

رئیس- بسیار خوب بدهید آقای مهندس فروهر

مهندس فروهر- بنده خواستم از حضور جناب آقای دکتر راجی همکار سابقمان ووزیر محترم بهداری عملی ازوعده‌ای که داده بودند این جا استفاده کنم و عرض بکنم که این عبارت تبصره را قول دادند که این جا گذاشته بشود وپیشنهادی که بنده و جناب آقای ابتهاج داده بودیم راجع بتشویق محصلین برای مراجعت از خارجه این را توجه بفرمایند بخصوص که بنده خدمت آقایان میخواهم عرض بکنم که اعلیحضرت همایون شاهنشاه که اولین مشوق طبقهٔ تحصیل کرده هستند باامریه‌ای که صادر فرمودند طبقه از ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۰ که وضع نظام وظیفه شان روشن نبود بکلی معاف شدند واین عده شامل یکعده محصلین ایرانی بود که در خارجه بودند ونتوانسته بودند که تابحال خدمتشان را بکنند همین امر به سبب خواهد شد که اینده دیگر سرگردانی ونگرانی نداشته باشند و مراجعت بکنند بااین پیشنهادی که بصورت ماده الحاقی باتبصره لایحه استخدام پرسنل وکادر فنی وزارت بهداری وعده فرمودند یك وسیله‌ای بشود که محصلین و متخصصین ایرانی وفارغ التحصیلان باامیل و رغبت بیشتر و هیچگونه هراسی از کشور های دیگر بمملکت خودمان برگردند و بتوانیم ازاین متخصصین و اطباء وغیره که درخارجه هستند از وجود این پزشکان متخصص استفاده بکنیم

رئیس- فعلاً آنچه که مطرح است این تبصره‌ای است که علاوه شده اگر نظری نسبت به این تبصره هست بفرمایید خود آقای وزیر بهداری هم نظرشان را راجع باین تبصره بفرمایند

وزیر بهداری- اجازه بفرمایید؟

رئیس- بفرمائید

وزیر بهداری- لایحه ایکه راجع بتربیت پزشك در مجلس شورا لیبلی بتصویب رسید عین آن لایحه باضافه یك تبصره کوچکی بتصویب مجلس سنا هم رسیده است این تبصره عبارت از این است که آقایان میدانند که در دانشکده ها هر سال برای قسمت های دانشیاری و دستیاری و رئیس درمانگاه دانشکده پزشکی یك افرادی را که دیپلمه همان دانشکده پزشکی هستند روی یك مسابقه‌ای انتخاب واستخدام میکنند این تبصره مقصودش این است که افرادیکه دراین مسابقه‌ها شرکت میکنند و موفق میشوند استثنا باشند ازرفتن بشهرستانهائی که دانشکده پزشکی نیست وبقیه مجبورند بجاهائی بروند که دانشکده پزشکی نیست (صحیح است) واین چون مورد احتیاج دانشکده‌های پزشکی بود و چون برای طهران این قانون روی قانون خاص دانشگاه عمل میشد. ولی دانشکده‌های شهرستان ها احتیاج باین تبصره داشتند خواهش میکنم که آقایان موافقت بفرمایند این تبصره تصویب شود

رئیس- آقای دولت آبادی

دولت آبادی- لایحه‌ای که از سنا برگشته است عین لایحه‌ای است که مورد تصویب مجلس شورای ملی قرار گرفته است وبانوضیحی که آقای وزیر بهداری دادند خواستم عرض بکنم که این اصلاح از نظر تکمیل کادر دانشکده‌های شهرستانها بسیار مورد توجه است استدعا میکنم آقایان رفقا موافقت بفرمایند

رئیس- آقای موسوی

موسوی- بنده با بیاناتی که جناب آقای دکتر راجی فرمودند موافقم ومنظور هم منظور بسیار لازمی است اما این تبصره‌ای که اضافه شده این منظور رانمیرساند زیرا عبارت خیلی عام است بنده یکبار میخوانم توجه بفرمائید بنظر بنده حتی ناقض خیلی ازقوانین خواهد شد نوشته شده که فارغ التحصیلانی که در مسابقه های دانشکده شرکت کرده وموفق میشوند مشمول این ماده هستند این عبارت مبهم است ومعلوم نیست چه مسابقه‌ای؟ و برای چه؟ برای ورود بدانشکده های پزشکی شما مسابقه دارید اگر دکر میشد کدام مسابقه بسیار خوب ودنظر بنده یك عبارتی از طرف پیشنهاد کننده محترم که جناب آقای پرفسور عدل بودند و جنابعالی توجه بمطلب بیشتر وبه‌تر داشته باشند پیشنهاد شده که مطلب و مقصود را درست نمیرساند و بااینکه توجه نداشته‌اند چنانچه موافقت بفرمائید که منظور از مسابقه دراینجا ذکر بشود رفع این ابهام خواهد شد مفهوم این تبصره فعلا این است که هر کس درهر مسابقه‌ای ازطرف دانشکده پزشکی شرکت کرد از تعهداتی که کرده معاف خواهد شد واین انجام آن خدمتی که در آن زمینه بحث متصل شد معاف می‌شود این را خواهش میکنم توجه بفرمائید

رئیس- آقای دکتر شفیع امین

دکتر شفیع امین- این تبصره‌ایکه جناب آقای وزیر بهداری توضیح دادند بعقیده بنده برای تکمیل کادر دانشکده های پزشکی شهرستانها این تبصره بعقیده بنده مفید است ...

موسوی- بنده در اصلش عرضی ندارم عبارت کافی نیست

دکتر امین- عبارت ممکن است ناقص باشد آقایان همکاران محترم همه علاقه دارند که دانشکده‌های پزشکی شهرستان ها تکمیل بشود این درحقیقت یك کومك بزرگی است که بهمان اطباو پزشکان و متخصصین که ازاروپا ویا امریکا ویا ازداخله دیپلمه میشوند این‌ها یك دوره استاژی دارند یعنی پزشکی که تازه تمام کرده است ومتخصص نیست میرود این جا چهارسال دوره استاژی تمام میکند وبامسابقه قبول می‌شود وعده‌شان معدوداست وزیاد نیست بعد آنهائی که متخصص شده درقسمتهای دستیاری ودانشیاری مینمایند در حقیقت همان یك تبصره‌ای است که جناب آقای موسوی وجناب آقای مهندس فروهر داده‌اند که تخصصین معاف میشوند متخصصینی که ازاروپاوامریکا وداخله متخصص شده‌اند می‌توانند دردانشکده‌های پزشکی شهرستان ها بعنوان رئیس درمانگاه و یادانشیار مسابقه بدهند اگر قبول شدند در مسابقه می‌توانند آنها خدمتشان را انجام بدهند درحقیقت بعقیده بنده بقسمتهای دیگر ضروری نمیرسد ودرعین حال یك کومکی برای دانشکده های شهرستانها خواهد بود و برای تکمیل کادر پزشکی وکادر فنی دانشکده های پزشکی شهرستانها فوق العاده لازم است.

رئیس- آقای وزیر بهداری

وزیر بهداری- (دکتر راجی)- عرض کنم که این پیشنهادرا همانطور که جناب آقای موسوی فرمودند جناب آقای پرفسور عدل در مجلس سنا دادند ولی مقصود استثنا کردن کلیه افرادی که درهر نوع مسابقه‌ای شرکت میکنند نیست این جا بنده برای توضیح عرض میکنم فقط برای قسمتهای معدودی است که در دانشکده باید وارد بشوند دستیار رئیس درمانگاه و دستیار آزمایشگاه برای سال تشریح برای این نوع کارها اینها استثنائی هوند نه همه وخیال میکنم که بااین توضیح آقایان موافقت بفرمایند که با این توضیح از تصویب مجلس بگذرد برای اینکه اگر بتأخیر بیفتد ازیکسال کارما عقب می‌افتد

رئیس- آقای مهران

مهران- بنده بانوضیحی که آقای وزیر بهداری دادند ودرصورت جلب قیدمی شود عرضی ندارم

رئیس- آقای موسوی

موسوی- بنده یکبار دیگر عرض میکنم که باصل موضوع بنده اصلا نظری نداشتم اشکال بنده از نظر ابهام عبارت بود وباتوضیحی که جناب آقای دکتر راجی فرمودند ودرصورت مجلس هم منعکس خواهد شد بنده عرضی ندارم

رئیس- آقای رامبد

رامبد- بنده ازمطرح بودن این لایحه درحضور جناب آقای وزیر بهداری

این استفاده را میکنم وحالا تا چه اندازه‌ای به‌این تبصره چسبندگی پیدا میکند نمیدانم خوب بود جناب آقای وزیر بهداری یك توجهی بهبهداری شهرستانها میفرمودند مطلب قابل توجه در حال حاضر این است که این پزشکانی که شما با این همه مساعدت تربیتشان میکنید ودرواقع بوجود می‌آورید وبعد میفرستید بشهرستان‌ها این‌ها بیش از سایر مأمورینی که بخرج خود تربیت شده‌اند ودراستخدام دولت درآمده‌اند یك وظائفی نسبت به این مردم بر عهده دارند بنده شرم دارم ازاظهار این قضیه ولی چون یقین دارم خودحضرتعالی با بنده هم‌عقیده هستید این را تصدیق خواهید فرمود آن موقعی که شما از اروپا برگشتید و این جناب آقای نخست وزیر خودش طبیب عالی‌مقامی است برگشت علم طب باین مرحله جنبه کسب و تجارت نداشت شما دیگر از اقیاس به‌اخلاق خودتان و برفتار خودتان نفرمائید به‌بینید که این طبیب‌های جوان ما به‌استثنای عده ایشان اکثریت قابل ملاحظه ای این علم را به منزله یك کالائی درمعرض تجارت گذاشته‌اند (صحیح است) در تمام دنیای مترقی برای اطباء یك تحصیلاتی مازاد بر رشته تخصصی خودشان قائل میشوند برای اینکه طبیب را میگویند یك آدم کامل باید باشد این طبیب‌های نوجوان ما قابل مقایسه با اطبای قدیمی ما نیستند بنده در شهرستان های دور و نزدیك می‌بینم که شما حقوق زیاد به‌این‌ها میدهید جا ومکان میدهید و از تمام کارمندان دولت وضعشان بهتر است حال از این مقدمه خواستم این نتیجه را بگیرم واین استدعا را بکنم ازحضرت عالی ترتیبی پیش بیاورید که پزشکان اعزامی وزارت بهداری از باز کردن یك مطلبی درمجاور محل بهداری شما منع بشوند وهرمریضی که صبح میآید بعنوان اینکه این مرضت سخت است و بعد از ظهر می‌بینم زحمات شما واین اقداماتی که برای بهداشت مملکت میکنید در مقابل مردم مخدوش نشود عرض دیگری ندارم

رئیس - آقای رامبد مطالبتان صحیح است ولی با این تبصره خیلی ارتباط ندارد

رامبد - چون مطالب عرض شد و جناب آقای رئیس هم میفرمایند با این تبصره تماسی ندارد استدعا میکنم نتیجه را توجه بفرمائید

رئیس - آقای دکتر سعید حکمت

دکتر سعید حکمت - مقام ریاست در جواب فرمایشات جناب آقای رامبد فرمودند چون مربوط به‌این لایحه نیست بنده فعلا عرضی ندارم انشاءالله درموقع خود فرصت دیگری بدست می‌آید وبنده از حق هم‌کاران خودم در اینجا دفاع میکنم و جداً علاقمند هستم که مورد توجه آقایان نمایندگان محترم قرار بگیرد پزشکان مملکت زحمات زیادی را متحمل میشوند ودر اقصی نقاط مملکت میروند و خدمت میکنند باید خدمات آن‌ها مورد توجه آقایان محترم قرار بگیرد (صحیح است)

رئیس - دیگر کسی اجازه نخواسته رای گرفته میشود به این لایحه و تبصره ماده چهارم که در مجلس سنا اضافه شده آقایانی که موافقند قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد به‌دولت ابلاغ می شود

۴- طرح وتصویب گزارش اصلاحی مجلس سنا راجع به‌تاسیس دانشکده افسری شهربانی

رئیس - لایحه دیگری است ازمجلس سنا رسیده راجع بدانشکده شهربانی که قرائت میشود یك اصلاحاتی در آنجا کرده‌اند که اصلاحات زیادی هست وعبارتی است

(نامه مجلس سنا ومتن لایحه بشرح زیر قرائت شد)

ریاست محترم مجلس شورایملی

لایحه شماره ۱۰۴۸۷ مورخ ۱ر۴ر۳۷ دولت راجع باصلاح قانون تأسیس آموزشگاه عالی شهربانی که طی مرقومه شماره ۱۸۶۴۹ مورخ ۵ر۲ر۱۳۳۸ از مجلس شورایملی بمجلس سنا ارسال شده بود درجلسه روز شنبه ۲۹ خردادماه ۱۳۳۸ مجلس سنا مطرح وچون پیشنهاد فوریت شده بود قبلا فوریت تصویب وپس از تبدیل عنوان لایحه بقانون تأسیس دانشکده افسری شهربانی لایحه با اصلاحاتی بتصویب رسید.

اینك یکنسخه ازلایحه مصوبه فوق برای استحضار عالی وطرح مجدد درمجلس شورای ملی بضمیمه ایفاد میشود

رئیس مجلس سنا - محسن صدر

قانون تأسیس دانشکده افسری شهربانی.

ماده ۱ - وزارت کشور مجاز است برای تأمین نیازمندی‌های شهربانی کل کشور بخصوص مأمورین انتظامی دانشکده افسری شهربانی تأسیس نماید

ماده ۲ - بهر یك از دانشجویان دانشکده مزبور دردوره تحصیلی درحدود بودجه مصوب شهربانی کل کشور طبق آئین‌نامه هزینه تحصیلی ماهیانه پرداخت می‌شود. سایر هزینه‌های تحصیلی وغذا و لباس نیز بعهده دانشکده خواهد بود.

ماده ۳ - داوطلبان دانشکده باید دارای گواهینامه کامل دبیرستان باشند دوره تحصیلی دردانشکده لااقل سه سال خواهد بود.

ماده ۴ - فارغ التحصیلان دانشکده افسری شهربانی با پایه سه اداری بخدمت درشهربانی کل کشور پذیرفته خواهند شد وچنانچه کسانی باداشتن دانشنامه لیسانس وارد دانشکده شوند پس ازپایان تحصیل بارتبه چهار اداری آغاز خدمت خواهند کرد.

تبصره - امور استخدامی وارتقاء فارغ التحصیلان دانشکده بپایه‌های اداری تابع قوانین مربوطه خواهد بود

ماده ۵ - فارغ التحصیلانی که برای خدمت درقسمتهای انتظامی اختصاص داده میشوند علاوه بر داشتن رتبه اداری بدرجه ستوان دوم شهربانی مفتخر میشوند.

تبصره - ترفیعات این افسران وسایر افسران شهربانی کل کشور ازلحاظ نیل بدرجات بالاتر کماکان تابع قوانین و مقررات نیروهای مسلح شاهنشاهی خواهد بود.

آئین‌نامه اجرائی این ماده را وزارتین جنك و کشور با توجه بقانون ترفیعات نیروهای مسلح شاهنشاهی تنظیم وپس از تصویب کمیسیونهای کشور ونظام مجلسین بموقع اجراء خواهند گذاشت

ماده ۶ - داوطلبان ورود بدانشکده باید تعهد لااقل دوازده سال خدمت در شهربانی کل کشور نموده و تابع مقررات آن باشند ودر صورت تخلف علاوه بر تعقیب اداری دوبرابر کلیه هزینه ای را که وسیله شهربانی کل درمدت تحصیل برای آنان صرف شده نقدو یکجا مستردارند

ماده ۷ - دانشجویان دانشکده افسری شهربانی درمدت تحصیل بااجازه شهربانی وظائف مأمورین انتظامی شهربانی را (قانوناً) عهده‌دار شده وچنانچه فارغ التحصیل شده و مشغول خدمت گردند دوره تحصیل آنان جزو مدت خدمت زیر پرچم محسوب میشود

ماده ۸ - اساسنامه وبرنامه وشرائط خاص ورودی و امتحانات وشرائط معلمین دانشکده بتصویب شورای عالی فرهنك میرسد وبفارغ التحصیلان دانشکده مزبور دانشنامه لیسانس داده میشود

ماده ۹ - قانون اجازه تأسیس آموزشگاه شهربانی مصوب ۱۱ اردیبهشت ۱۳۲۲ از تاریخ تصویب این قانون ملغی است

ماده ۱۰ - وزارتخانه‌های کشور و فرهنك وجنك مأمور اجرای این قانون می‌باشند

لایحه فوق مشتمل بر ده ماده ودو تبصره درجلسه روز شنبه ۲۹ خردادماه ۱۳۳۸ شمسی بتصویب مجلس سنا رسیده است

رئیس مجلس سنا - محسن صدر

رئیس - چون در این لایحه کسی اجازه صحبت نخواسته و یا اصلاحاتی که بعمل آمده کسی مخالف نیست لذا رای گرفته میشود به این لایحه‌ای که ازمجلس سنا آمده آقایانی که موافقند قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد به‌دولت ابلاغ میشود.

۵ - شور اول گزارش کمیسیون کشور راجع بوظایف و اختیارات استانداران

رئیس - گزارش کمیسیون کشور راجع بشور اول لایحه وظائف واختیارات استانداران مطرح است قرائت میشود

(بشرح زیر خوانده شد)

گزارش از کمیسیون کشور

بمجلس شورایملی

کمیسیون کشور درجلسه ۱۶ اسفند ۱۳۳۷ لایحه ارسالی ازمجلس سنا راجع بوظائف واختیارات استانداران را باحضور آقای وزیر کشور مورد شور ورسیدگی قرار داده وبامختصر اصلاحی تصویب و اینك گزارش آنرا بمجلس شورایملی تقدیم میدارد:

ماده اول - استانداران در حوزه ماموریت خود نماینده اول دولت ومسئول مراقبت در اجراء سیاست عمومی دولت هستند وبر کلیه ادارات دولتی محل ریاست عالیه وحق نظارت بتمام امور حوزه مأموریت خود دارند.

ماده دوم - کلیه وزارت خانه ها و مؤسسات دولتی وبنگاههای وابسته بدولت مکلفند درموقع تهیه برنامه های اجرائی مخصوص برای هراستان نظر استاندار محل را مورد توجه قرار دهند وبرنامه‌های مصوب را باطلاع استاندار محل برسانند.

ماده سوم - استانداران در اجراء برنامه های عمرانی وعمومی حوزه مأموریت خود نظارت ومراقبت کامل خواهند داشت وچنانچه نقصی ضمن عمل مشاهده نمایند مراتب را مستقیماً بمأمورین اجرا ودرصورت لزوم بوزارتخانه‌ها یا مؤسسه مربوط تذکر خواهند داد.

ماده چهارم - وزارتخانه‌ها قبل از انتصاب رؤسای ادارات مرکزی استان ها مراتب را باطلاع استاندار می‌رسانند.

ماده پنجم - کلیه ادارات دولتی و نمایندگان اعزامی ازطرف وزارت خانه‌ها نسبت بمسائلی که تماس با سیاست عمومی دارد ویا ممکن است ازلحاظ سیاست محلی حائز اهمیت باشد با اطلاع ونظر استاندار محل وظائف خود را باید انجام نمایند. استانداران هرموقع تغییر رئیس یا یکی از اعضاء ادارات و مؤسسات دولتی حوزه مأموریت خود غیر از قضات دادگستری ومأمورین ارتش واستادان و دانشیاران دانشکده‌ها را لازم بدانند مراتب را باذکر دلایل باطلاع وزیر مربوط خواهند رسانید ووزراء مکلفند بپیشنهاد استاندار در اینگونه موارد منتهی درظرف ده روز ترتیب اثر داده ونسبت بتعیین جانشین مأمور مربوطه اقدام نمایند.

ماده ششم - مراقبت دررفتار واعمال

کلیه مأمورین دولتی در هر استان از وظائف استانداراست ودر هرمورد که شکایتی ازمأمورین برسد استاندار باید نسبت به‌آن رسیدگی و اقدام لازم را بنماید.

هرگاه درنتیجه رسیدگی معلوم شود موضوع جنبه کیفری یا حقوقی دارد آن را بمراجع قضائی احاله خواهد داد.

ماده هفتم - همه ساله پس از تصویب بودجه تفصیلی وزارت کشور صورت اعتبارات بودجه ای هریك ازاستانها اعم ازحقوق ومخارج مستمر وغیرمستمر تعیین و باستاندار محل ابلاغ میشود و استاندار در تعهد وصرف اعتبارات مزبور نماینده قانونی وزیر کشور خواهد بود ودارائی محل طبق درخواست استانداری در حدود بودجه ابلاغی اعتبارات رامطابق مقررات خواهد پرداخت.

ماده هشتم - استانداران مکلفند در پیشرفت کارهای ادارات ومؤسسات دولتی و عمومی مساعدت های لازم بکنند وهریك از شهرستانهای حوزه ماموریت خود ذرالاقل سالی دوبار بازدید وسرکشی نمایند وجریان امور وطرز کار مأمورین و وضع عمومی اهالی را از نزدیك رسیدگی کنند و نسبت برفع نواقص کار ها اقدامات لازم بعمل آورند.

ماده نهم - استانداران درامور ذیل مسئولیت مخصوص دارند:

۱- مراقبت درحفظ نظم عمومی و آرامش محل

۲- مراقبت درتأمین ارزاق واحتیاجات عمومی.

۳- تشویق افراد بتشکیل شرکتها و مؤسسات بوسیله مردم برای ایجاد کارهای عام‌المنفعه ومراقبت درامور بهداشتی وبهبود وضع اجتماعی

۴- ازتباط رسمی واداری بانمایندگان کنسولی خارجی.

۵- مراقبت مخصوص در اجرای برنامه های عمرانی شهرداری‌ها و قانون تعلیمات اجباری و پیشرفت امور عمرانی دهات.

۶- توجه خاص نسبت به آمدو شد اتباع بیگانه در حوزه مأموریت خود و نظارت در اجرای مقررات قانونی درباره اتباع بیگانه

ماده دهم - در اجرای مواد ۲ و ۳ و ۵ این قانون هرگاه میان استانداران و وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی اختلاف نظری پیش آید مراتب باطلاع نخست وزیر خواهد رسید ونظر نخست وزیر قاطع خواهد بود.

ماده یازدهم - در کارهای مربوط بتأمین ارزاق عمومی ورفع حوائج ضروری اهالی و حفظ انتظامات محل در موقع حوادث و سوانح طبیعی و غیرمنتظره که اقدامات سریع مأمورین دولتی را ایجاب می کند کلیه مأمورین بدون استثناء مکلف هستند نظر استاندار را جلب نمایند و دستور کتبی استاندار را برای جلوگیری ازپیش آمدهای نامطلوب سریعاً بموقع اجرا بگذارند.

ماده دوازدهم - در مورد اعتباراتی که بوسیله ادارات هرشهرستان باید مصرف شود از قبیل تهیه لوازم اداری وخواربار بیمارستانها و مؤسسات مشابه و همچنین تعمیر ساختمان ها چنانچه شورای شهرستان ترك مناقصه را ضروری بداند و پیشنهاد نماید با تصویب استاندار ممکنست مناقصه ترك گردد دراینصورت استاندار در مصرف آن اعتبار باید نظارت نماید.

ماده سیزدهم - فرمانداران کل هم از این اختیارات استفاده خواهند نمود.

ماده چهاردهم - از تاریخ تصویب این قانون استان ها بنام اصلی خودنامیده میشوند

ماده پانزدهم - دولت مأمور اجرای این قانون است

گزارش از کمیسیون امور خارجه بمجلس شورایملی

کمیسیون امور خارجه باحضور آقایان معاونین وزارت امور خارجه ووزارت کشور لایحه شماره ۴۰۳۷ ارسالی ازمجلس سنا راجع بوظایف واختیارات استانداران را مطرح نموده پس از مذاکراتی دردو جلسه بالاخره با گزارش کمیسیون کشور موافقت واینك خبر آنرا در تأیید گزارش کمیسیون کشور بمجلس شورایملی تقدیم میدارد

گزارش از کمیسیون دارائی به

مجلس شورایملی

کمیسیون دارائی لایحه شماره ۴۰۳۷ ارسالی از مجلس سنا راجع بوظائف و اختیارات استانداران را باحضور آقایان معاونین وزارت دارائی و وزارت کشور مطرح و مورد شور و مطالعه قرارداده پس از مذاکراتی بالاخره با گزارش کمیسیون کشور موافقت و اینك خبر آنرا جهت تصویب مجلس شورای ملی تقدیم میدارد

رئیس - آقای خلعت‌بری

خلعت‌بری - بنده اولین نطقی که در مجلس دورهٔ ۱۸ ایراد کردم همین مسئله لزوم نظارت استانداران را بر کلیه امور اداری و کشوری دراستانهای مملکت بود پنجسال می گذرد ۵ سال است که این لایحه در وزارت کشور ودرشورای معاونین ودرجاهای دیگر مشورت شد، موردشور قرار گرفته ومن چند روز قبل که این لایحه را دیدم بااینکه از تصویب مجلس سنا هم گذشته متوجه شدم که این لایحه بکلی ناقص است وابداً هیچ فایده‌ای ندارد وآنقدر دستکاری شده که بهیئت این لایحه اصلا وجود نداشته باشد عقیده بنده این است که بعدهم بادلیل عرض میکنم وملاحظه خواهید فرمود که قانون قبلی خیلی بهتر از این قانون است واحتیاجی هم باین قانون ندارد ومگر درعرض گردم مملکت قانون نمیخواهد طرز کار کردن باید عوض شود چندی قبل ایام عید بنده رفته بودم بمازندران درشهسوار یك روزی یك پیرمردی که از اعضاء کشاورزی بود در حضور جمعی بمن گفت که یك سؤال ازشما دارم گفتم بفرمائید گفت من فکر میکنم که الآن وضع مادرشهسوار و شهرستانهای مجاور ومازندران بهتر از ۵ سال پیش و ۱۰ سال پیش است معذلك چطور است من هرجا میروم عدم رضایت میشنوم اظهار عدم رضایت ازاشخاص مختلف میشنوم گفت که شما از قول من خواهش میکنم بدولت بگوئید که مبادا دستگاههائی باشند که با وجود این که کارهای خوب میشود معذلك مردم را بدبین میکنند وبازعدم رضایت ایجاد میکنند برای مردم که مردم متوجه این کارها نشوند میگفت که خواهش میکنم این را بدولت بگوئید بنده یادم بود حرف این پیرمرد و امروز بیادم افتاد ومربوط بود باین لایحه و همین حرف آن پیرمرد راهن تکرار میکنم وحالا هم عرض میکنم بزرگترین دستگاه منشاء ایجاد عدم رضایت وایجاد نفاق وبدبینی مردم خود دستگاههای دولت هستند وتبلیغات این چند سال اخیر دستگاههای دولت برعلیه هیأت حاکمه برعلیه خودشان بزرگترین عاملی بوده است برای تشدید بدبینی در مردم واگر دولت ازمن سوال بکند بعد در یك جلسه‌ای بطور خصوصی مواردش را خواهم گفت ولی اینجا بنده آن حرف آن پیرمرد را تصدیق میکنم که هستند عوامل ودستگاههائی که سعی میکنند بین دولت ومردم ایجاد عدم رضایت بکنند والا بنده همانروزهم درحضور عده‌ای گفتم که آقا در این شهرستان شهسوار وخیلی ازشهرستان های دیگر زارعین اینجا تمام محصولشان را بنصف می‌فروختند وبه هیچ ازدستشان درمی‌آوردند گفتم حال قبول دارید که اقلا نصف سلف فروش کم شده گفتند بلی گفتم این یك حسن نیت گفتم این راهی که دارید نبود گفتند آری گفتم این وسائل مکانیزه وموتوریزه نبود گفتم همینطور که این راه را که مشغول اسفالت کردن هستند قبول دارید گفتند بلی گفتم، دوسال است که چائی شمارا دولت می‌آید نقد می‌خرد بیك طرز صحیحی گفتند که بلی گفتم که من دیگر نمیخواهم که سایر کارهارا شرح بدهم کار هائی شده است ودارد می‌شود خیلی ازمردم هم متوجه هستند ولی متاسفانه درقبال کارهائی که انجام میشود یك نقطه ضعفی هست وآن نقطه ضعف این است و این حقیقت رانمی‌شود انکار کرد اگر انکار بکنیم خودمان را گول زده‌ایم وآن اینست که در دستگاههای دولت ازنظر اینکه کنترل ونظارت وجود ندارد در آنجا شاید افرادزیادی هستند شاید اغلبشان هستند یك اقلیت خیلی جزئی هستند که آنها ازوضع موجود یعنی ازنبودن کنترل و نظارت صحیح سوء استفاده میکنند وموجبات عدم رضایت مردم رافراهم میاورند و هرموقع یك کنترل صحیح گذاشته شد ودراستانها و شهرستان‌ها که مأمورین دولت نتوانند به مردم تعدی بکنند بنظر بنده ۹۰ درصد ازاین عدم رضایتها ازبین میرود (صحیح است) مردم آقایان اسم شاه درنظر شان هست همه شاه رادوست دارند مردم باآقای دکتر اقبال چه طرفیتی دارند دکتر اقبال چه کار بدی ممکن است بکند که افراد در شهرستان ها بنشینند وبگویند اورا نمیخواهیم یا آقای علاء که قبلا رئیس الوزراء بودند اصلا وزراء را کی می‌بینند مردم بادولت طرف نیستند مردم با مأمورین دولت طرف هستند مأمورین دولت وقتی از مقامشان سوء استفاده کردند مردم را اذیت کردند آنوقت این بحساب دولت میآید تمام درد این است که مردم باید بفهمند که دولت شاه وزراء برنامه‌هائی دارند وآنها میدهند بدست یك عده‌ای اشخاص که اجرا کنند چون در اجرا ما کنترل صحیح نمی‌شود مأمورین ازاین جهت سوء استفاده می کنند وموجب عدم رضایت وناراضی شدن مردم ازدستگاههای دولت می‌شوند واین منحصر بایران نیست در هر مملکتی که اصول مرکزیت درآنجا باشد این عدم رضایت هست (صحیح است) این مربوط بسیستم وطرز کار دولت نیست مربوط بشخص دکتر اقبال یا آقای علاء یا هر کسی که جای آقایان بیاید نیست باید قانون راطوری بنویسیم که تعدی دراین وضع بوجود نیاورد ما که خودمان را نمی‌توانیم گول بزنیم شما الان ملاحظه بفرمائید چقدر از مردم ازمأمورین وادارات شکایت دارند از جنگل بانی از ثبت اسناد از شهربانی ازشهرداری، بنده دیگر نمیتوانم بشمرم بنابراین اگر بگویم همچو چیزی نیست دروغ گفته‌ام اما این بهبودی خود بدولت ربطی ندارد این عدم رضایت در دستگاه دولت هست ششماه پیش یکسال پیش این دولت چین کمونیست که خیلی دردستگاههای خودش اصلاحاتی کرده یك ماه پیش مائوتسه تونك آزادی داد که هر چه حرف دارند بزنند اینقدر مردم انتقاد کردند که نزدیك بود حکومت چین کمونیست از بین برود و بعدهم مائوتسه تونك را گرفتند کنار گذاشتند و دهن همه را بستند گفتند انتقاد انکنید درروسیه شوروی روزنامه‌های خودشان را بفرمائید ترجمه‌اش را بیاورند

اینجا با همین محدودیتی که در آنجاهست بیشتر چقدر از دستگاه اداری بدم رضایت هست در فرانسه ببینید از دستگاه مرکزیت اداری چقدر بیدار بوده و رستوه آمده بوده و شکایت دارد. این منحصر بمملکت ما نیست ما همه عیب در دستگاه اداریمان وجود دارد و بنظر بنده اگر باین سه عیب توجه بکنیم ممکن است این عدم رضایتی که در دستگاههای اداری پیش می آید مرتفع بکنیم عیب اول مرکزیت است در ایران یک مرکزیت خیلی شدیدی هست که تمام موجبات سوم استفاده مأمورین خطاکار این مرکزیت است یعنی یکی کوچکترین کاری که در کوچکترین شهرستان ایران است این می آید اینجا بنظر آقای رئیس الوزراء میرسد بنظر آن اداره مربوطه میرسد و آنوقت اشخاصی در تهران که اصلا ولایات را ندیده اند و بهیچوجه آشنائی باوضاع و احوال کردستان و آذربایجان و کرمان ندارند اینجا باید بنشینند یا یک تکه کاغذ نسبت بمقدرات ۲۰ میلیون مردم ایران تصمیم بگیرند یکعده‌ای از تصمیماتشان معلول غرضهای مالی و منفعت است میخواهند جیب خودشانرا پر کنند (صحیح است) یکعده‌ای هم اطلاع ندارند ساده‌اند و چون اطلاع ندارند خیال میکنند بدولت دارند کمک میکنند و یک دسته‌ای هم شاید بقصد خراپکاری بکنند و هرچه میدهم میزنم دولت توجه نمیکنند و تا نخوزند گرز این خراپکاری ها را درست بهوش نمیآیند و تا نخورند این گرز را نمیدارند و نمیفهمند که خلمتبری چه گفت و اگر بخواهیم جلوگیری کنیم بنظر بنده راهش این است که این مرکزیت که الان در ایران بالاست وجود دارد و مانع پیشرفت کار است و حتی برای دولت و رئیس الوزراء و وزراء و هیچکس باقی نمیگذارد از این بیرحم آقایان شرافة آقایانی که مال شهرستانها هستند ۹۰ درصد وقتشان را مراجعات کوچک اداری شهرستان ها میگیرد اینها نباید بتهران بیایند آخر رئیس الوزرای مملکت وزاری محبوب چرا باید وقتشان را صرف اینکارها بکنند استاندار در این تشکیلات برای چیست؟ یادر این تشکیلات را بیندازید و وضع همین طریق ادامه خواهد داشت و اگر اساس این تشکیلات را نخوریم این تشکیلات سرما را خواهد خورد برای اینکه جلو گیری اشد روز بروز گرفتاری مردم زیادتر میشود و مردم که مسائل عادی روزانه‌شان را مواجه با اشکالات بدون جهت مأمورین می‌بینند اینها خوبیها را فراموش میکنند این دیگر بکنار بانک کشاورزی نیست که دولت همه جا تأسیس کرده این بکنار بیمارستان و کارهای عام المنفعه نیست آن وقتی که یک نفر بخود اذیتش کرد و این وسیله داشت برای احقاق حق خودش این تمام خوبیها را فراموش میکند و همان نقطه ضعف را می چسبند که مورد تعدی واقع شده این یکی مطلب دوم که میخواهم عرض کنم هم آهنگی نداشتن بین ادارات دولتی در استان هاست اگر هم آهنگی باشد قسمت بزرگی از مشکلات مردم مرتفع میشود (صحیح است) مثل عرض کنم بارسال در منطقه گیلان و مازندران مردم میل داشتند که توسعه کشت چای بدهند از طرف چای و سازمان چای آن مالی که می‌گفتند خوب است آن وقت خزینه نهال چای تهیه میکردند که مردم بروند باغ بگیرند وزارت کشاورزی میگفت توسعه کشت چای صلاح نیست چای نباید توسعه پیدا کند یک قسمت میلیونها خزینه نهال چای تهیه میکرد و یک اداره می گفت که نکارند این هم آهنگی نداشتن بین ادارات است این هم آهنگی را در ولایات چطور میشود ایجاد کرد شما یک کاری دارید با کشاورزی با دارائی این ها مطیع استاندار هستند ولی هر کدام راه خودشان را میروند (صحیح است) استاندار در شرایط فعلی در مملکت ما بهیچ وجه از جهة اجرای قوانین مملکت و نظارت در امور مملکت صلاحیت نیست برای این که هیچ یک از ادارات بحرفش گوش نمی کند استانداری که رئیس پاسگاه ژاندارمری را نتواند هوش کند و نتواند یک تحصیلدار را عوض کند و نتواند یک مفتش بخشداری را عوض کند چکار میتواند بکند این استاندار چه کار میتواند بکند این همه خرج تشکیلات میکنید ولی استاندار نتواند فرض بکنید که یک ژاندارم را عوض بکند چه میتواند بکند صحبت ژاندارمری نیست ژاندارمری فعلی خوب شده این تیمسار عزیزی واقعا نمونه این است که یک آدم میتواند مؤثر در تشکیلات باشد من اصلا او را ندیدمش و نمی شناسم ولی آقا باید مرکزیت را گرفت و هم آهنگی را هم یک وسیله‌ای ایجاد کرد هم آهنگی وسیله میخواهد این Coordination اداری امریکا و روسا و ممالک مترقی یعنی هم آهنگی برای همکاری و ترقی لازم است سوم کنترل لازم است نظارت لازم است یعنی استاندار اگر در امری نظر داد بتواند نظر خود را بآن مأمور مالیه تحمیل کند چون اگر تحصیلداری رفت و مالیات بیخود گرفت گفتند ما باید بمرکز مراجعه بکنیم این استاندار دیگر فایده ندارد حالا در بعضی از شهرستانها ملاحظه بفرمائید که دارائی مستقل دارد و با تهران مستقیما مکاتبه می کند فرهنگ دارد با تهران مکاتبه میکند خیال می کند که این استقلال چیز خوبی است شهربانی با پلیس یک وقتی مستقیما با تهران تماس داشت دیگر پاسگاه شهربانی مازندران آنجا کاری نداشت آنوقت چه از آب درمی آید رئیس شهربانی کل کشور یک وظایف دیگری دارد او باید سیاست کلی مملکت را از لحاظ امنیت اجرا بکند اگر هر کاری را بخواهند با او رجوع کنند نمیتواند بهمه کار ما برسد این است که وقتی خوب کلی را تطبیق کردم با این لایحه جدید دیدم اصلا این لایحه بدرد نمیخورد و بهیچوجه دردی دوا نمیکند اصلا صفر است و واقعا معتقد هستم این بحث و مشورت است اگر لایحه لاحقی بیاید و تذکراتی داده شود آقایان نمایندگان توجه بفرمایند این لایحه بعد کامل شود بهتر از این است که ما برای رعایت دولت یک قانونی را تصویب بکنیم و بعد دچار اشکال بشویم این است که بنده میل دارم که این قانون در آنجا بحث شود و نواقصش رفع شود. عرض کنم در این قانون ماده اولش میگوید که استانداران نظارت عالیه بر تمام ادارات حوزه مأموریت خود دارند دیگر بیش از این چیزی نمیگوید حالا این نظارت را چه شکلی اجرا کند نمیگوید فقط میگوید حق نظارت دارد بیش از این بهشان اجازه نمیدهد ماده دوم و سوم میگوید اگر برنامه‌هائی را برای استان مفید دانست بتهران پیشنهاد کند تهران قبول کردن یا قبول نکردنش را دیگر نمی گوید این دوم و سومش هم صفر است بنده هم میتوانم هر روزنامه‌ای هم میتواند پیشنهادی بدهد بوزارت کشور این قانون اینمی خواهد هر کس نظریاتی دارد می‌تواند بدهد بنده وقتی استاندار بودم پنجاه شصت تا نظریه دادم و هیچ یک قبول نشد چون اصلا نخوانده بودند وقتی آمدیم بتهران در وزارت کشور بمن دادند و گفتند این کارتن مخصوص شماست و هیچ کدام از آن پیشنهادها را وزارت کشور نخوانده ماده چهارم میگوید وزارتخانه ها قبل از انتصاب رؤسای ادارات مرکزی استانها مراتب را باطلاع استاندار میرسانند (موسوی - این ماده و مواد دیگر تعارض است) یعنی چه؟ فرض بفرمائید که می خواهند امروز سرهنگ فلان را بفرستند برای شهربانی فلان شهر استاندار چه می داند آقای سرهنگ فلان کیست آنوقت هم باو اطلاع میدهند که ما میخواهیم فلان سرهنگ را بفرستیم اگر اطلاع هم ندهند بعد از ۲۴ ساعت خود استاندار مطلع میشود ماده پنجم میگوید کلیه ادارات دولتی و نمایندگان اعزامی از طرف وزارتخانه‌ها نسبت به مسائلی که تماس سیاست عمومی دارد و یا ممکن است از لحاظ سیاست محلی حائز اهمیت باشد با اطلاع و نظر استاندار محل وظایف خود را باید انجام نماید نمیگوید با دستور استاندار محل با نظر استاندار فقط باستاندار اطلاع بدهند بعد هم می گوید اگر استاندار تعیین و تغییر اشخاص را لازم بداند اطلاع میدهد و در ظرف ۱۰ روز وزیر مربوطه باید اقدام بکند برای تعیین جانشین او این جا دیگر چیزی نمی گوید بعد میرود در ماده ۱۰ میگوید راجع باین ماده یعنی اگر راجع بتغییر مأمورین دولت اختلافی شد آنوقت تصمیم با نخست وزیر است یعنی استاندار میگوید رئیس مالیه این جا نباید باشد بعد وزیر میگوید که خیر باید باشد و بعد میرود پیش نخست وزیر، نخست وزیر می گوید که نباید باشد و یا باید باشد خوب اگر گفت که رئیس اداره باید باشد استان دار دیگر نمیتواند آنجا بماند یک کسی که رئیس یک استان است وقتی با یک عضوی اختلافش شد و گفتند حق با اوست دیگر استاندار نمی تواند آنجا حکومت کند خودش باید بیاید بنده همیشه در مجلس عرض کرده‌ام وزارتها کمتر توجه کرده‌اند وزیر و رئیس الوزراء بکارهای اداری نباید برسند اگر بکارهای اداری برسند بخودشان صدمه میزنند چون نمیتوانند از عهده بر بیایند وزیر باید کارهای اساسی مملکت را بکند این کارها کار معاونین است حالا مثل پنجاه سال پیش نیست حالا در هر استان و در شهرستانی ۵۰ درصد کارها دولتی است اداره پنبه هست چرم هست جنگل هست بانک هست صادرات و واردات هست ذغال هست ۵۰ درصد کارهائی هست که دولت انحصار دارد دست دارد برنج هست ابریشم هست معاملات خارجی هست یک کار دو کار نیست که بگوئیم اگر استاندار با مأمورین اختلاف پیدا کرد رئیس الوزراء باید برسد رئیس الوزراء وقت این کارها را ندارد رئیس الوزراء نباید بدنبال کارها برسد بنابراین این قسمت اختلاف را هم بعهده دولت و مرکز محول کردن یک قسمت دیگر مرکزیت و یک وقت تلف کردن دیگر است.

عرض کنم بنده این قانون را که خواندم دیدم که این قانون هیچ چیز تازه ندارد و بدتر اختیارات استانداران را محدود کرده و هیچ تعیین تکلیف برای استاندار نمی کند حالا بحث در اینست که بعضی از آقایان می گویند که اگر باستانداران اختیار زیاد بدهیم ممکنست استاندارهای خوب انتخاب نشوند این هم یک حرفی است ولی برای احتمال که نمیشود اصل را از بین برد بوزیر کشور و دولت باید تکلیف کرد که استاندار خوب تعیین بکنند این اشکال ندارد که در تمام مملکت ۱۰ و ۱۲ نفر آدم بسیار حسابی انتخاب بکنند اینجا در قانون سابق راجع بشرط انتخاب استاندار میگوید استاندار باید از اشخاص مورد وثوق مجرب و کافی باشد حالا باید اینقدر سوابق خدمت داشته باشد که مورد اعتماد باشد خیلی اهمیت دارد این شرط و بعد هم بایستی تجربه زیاد داشته باشد و بعد هم بایستی کفایت داشته باشد کفایت و لیاقت و تجربه زیاد داشته باشد بنابراین همین قانون قدیم را شما اگر شرایطش را در نظر بگیرید قطع بدانید ۱۲ نفر که با این شرایط تطبیق بکنید پیدا می شود البته باید استاندار خیلی قوی باشد این استاندار قوی را که تعیین کردید باید آدم خیلی قوی را هم انتخاب کنید از این تیمسار عزیزی صداقتی خواهش کنید ایشان برود یک سال دو سال استانداری بکنند

خیلی اشخاص هستند که واجد این صفات هستند جناب آقای وزیر کشور، آقایان نمایندگان و استاندار باید شخصی باشد که اقلا با خود وزیر مساوی باشد بلکه بالاتر باشد استاندار نباید کسی باشد که اگر آقای وزیر تلفنش را گرفت بگوید بله قربان الان شرفیاب میشوم باید بگوید که امروز وقت ندارم فردا خدمت میرسم ممکن است عصر برای صرف چای بمنزل من تشریف بیاورید تخفیف وزیر کشور نیست باید استاندارها مقامی داشته باشند که اگر یک هزار لشکری امیر لشکری خواست تحکم بکند زیر بار نروند بتواند با وزراء صحبت بکند بتواند با نخست وزیر صحبت بکند نه اینکه اگر وزیر یا نخست وزیر آمد با او صحبت کرد ملاقات کرد او جزء افتخاراتش محسوب بشود یا نهار با وزیر بخورد بگوید با وزیر نهار خوردم استاندار باید در ردیف خود وزراء باشد آنطور اشخاص را پیدا بکنید و بنده از آقایان استدعا میکنم اگر این تصویب نشد استدعا میکنم که بقانون ۱۳۲۰ قمری مراجعه کنید قانون سال ۱۳۲۵ قمری ۵۰ برابر از اینقانون که امروز ما وضع می کنیم خوبتر است برای استانداران اختیارات بیشتر قائل میشود تمام شؤن را حفظ کرده در کشاورزی در تجارت در کارهای مختلف در ارزاق عمومی در تمام مسائل پیش بینی کرده چون وقت بنده دارد تمام میشود و بیش از این وقت ندارم استدعا میکنم اینقانون ۱۳۲۵ قمری را ملاحظه بفرمائید با بودن اینقانون احتیاجی بقانون دیگر نداریم و بنده معتقدم لااقل آقایان محترم بعد از مطالعه این مسائل موافقت بفرمائید که این گزارش برگردد بکمیسیون و در کمیسیون این مطالب دو مرتبه تذکر داده شود بلکه موادی با اینقانون اضافه شود و خود دولت هم موافقت بکند و این لایحه بصورت جامعی تصویب شود بعضی از آقایان وزراء را من مکرر دیده‌ام از ۱۰ سال پیش به این طرف هیچوقت میل نداشته‌اند اختیارات استاندار زیاد بشود همیشه هم سعی داشته‌اند که اختیارات در مرکز دست خودشان باشد نه میرسند به کار خودشان و نه بکار ولایات و این نقطه ضعف را ما اکنون باید حل بکنیم و من خواهش میکنم که آقایان توجه زیادی بفرمایند و بدولت هم توصیه میکنم که اینقانون بدرد نمیخورد یک تشریفاتی است است خودشان هم بزحمت خواهند افتاد آقای وزیر کشور حضرت عالی هم آن مواد سابق را بخوانید شاید خودتان هم قانع بشوید اگر برای استاندارها اختیارات بیشتر میخواهید قانون قبلی بیشتر اختیارات دارد و این یک مقدار از اختیارات استاندارها را سلب کرده است (احسنت احسنت)

رئیس - آقای صارمی (میالفم) آقای بزرگ ابراهیمی (موافقم)

بزرگ ابراهیمی - بجناب آقای وزیر کشور چون مدتی در خارج توقف داشتند و اول دفعه ایست که به این پست تشریف میآورند تبریک عرض میکنم ولی یک تذکر هم عرض کنم معروف است که میگویند زیر دست خوب مافوق را بزرگ میکند. زیر دست بد مافوق را کوچک می کند اما اگر وزیر هزارها از اینقانون ها بیاورد اما استاندار میرزا قلمدان باشد یک عباسی ارزش ندارد دلیل میآورم دو مثل میآورم که بهترین نقطه نظر است منصور الملک والی آذربایجان بود بنده نشسته بودم اوشت بوزارت کشور. این تصمیم را در کمیسیون اداری گرفتم تصویب نامه صادر کنید نوشت بدولت کردند ابلاغ هم شد دکتر اقبال استاندار بود گفتند برای حقوق نظامیها شب عید است پول نرسیده حقوق ندادیم رئیس دارائی وقت موسوم بنفعی را صدا کرد گفت چهار هزار تومان از هر قسمت هست بدولشگر رضائیه و تبریز برسان که فردا پول بدهیم. گفت آخر قربان گفت من بتو دستور میدهم و نوشت بمسئولیت من از هر جا هست بردار بده و من جوابده اینکارم اورفت و داد در حضور من تلگرافی بدربار گفت بعرض شاه برسانند من این مصلحت را دیدم و عمل کردم. تقدیر شد از طرف اعلیحضرت حقوق ارتش هم رسید صداقتی هم در نیامد پس شما هر قدر قانون بنویسید وقتی بدست بنده میرزا قلمدان بیفتد هیچ کاری از دست بنده برنمی آید (صحیح است) اما اگر شما شخصیتی پیدا کردید استانداری فرستادید که محیط بمنطقه بود دارای قدرت و نفوذ شخصی بود دارای شخصیت بود این قوانین هم نباشد کارها را انجام می دهد بدبختانه این تیمور استانداری را بجائی آوردند که معلم مهندس حسنعلی جعفروخان نایب را هی استانداری میدهید میفرستید برونند و هیچکس هم گوش بحرفشان نخواهد داد هزارها از این قوانین بگذرانید بنده خودم روی انگشتم اورا میرقصانم آقای وزیر کشور استاندار و والی در زمان اتابکی عمویت میدانی کی ها بودند بعد از آنها هم ما دیدیم سپهسالار، بابای این آقای ارسلان خلعتبری اول حکومت اردبیل را داشت ولی مقتدرتر از استانداریهای امروز زمان بود قدرت داشت نه قانون داشت نه قوای انتظامی داشت سپهسالار تنکابنی آذربایجان را اداره میکرد حالا نمیدانم شما چطور شده که یک نفر معلم را که از پشت میز معلمی در آمده امروز وزیرش میکنید فردا استاندار میکنید آقا استاندار، استاندار کی است که حاکمیت روحی بملت و با اجتماع و بر رؤسای دوایر بعودی خود داشته باشد والا اگر نداشته باشد قانون گذراندن فایده ندارد این ملت بیک احتیاجاتی آشنا شده جبر زمان تمام چشم و گوشهارا باز کرده مردم احتیاجات محیط را برای خودشان تشخیص داده‌اند مقدورات ما هم اجازه نمی دهد تمام احتیاجات را رفع کنیم ۵۰ سال قبل از این بنده در مدرسه علمیه بودم می خواستند آبله مرا بکوبند در خانه ما یک کنیزی بود که قبلا پهلوی شکوه السلطنه مادر مرحوم مادر مظفر الدینشاه تربیت شده بود میگفت ایوای بچه‌ام را میخواهند ببرند داغ سربازی بزنند امروز در اقصی نقاط مملکت یکنفر دهاتی پی پزشک میگردد بی درمان و دوا و بهداشت میگردد و افراد ملت همه چیز میخواهند مقدورات ما هم کافی نیست هر کس که میگوید قادر هستیم اشتباه کرده زمان لازم است اما اگر افرادی با شخصیت با اجتماع تماس داشته باشد من من نمیکنند باینها میفهمانند احتیاجات را رفع میکنند افراد مزاحم را طرد می کنند میشود زندگی عادی نه گله میشود نه برخورد میارزد البته دکتر اقبال شخصیت دارد جناب اجل عالی شخصیت دارید یکعده‌ای از وزیران صاحب شخصیت اند اما بدبختانه مأمورینتان کی ها هستند میرزا قلمدون ها (صحیح است) چیز عجیبی است شما که پدر و مادر و شخصیت دارید اقلا برویدآدم پیدا کنید اشخاصی بفرستید که بچه‌های شیراز و آقازاده‌های مشهد و آذربایجان اگر باو تعظیم بکنند عارشان نیاید (صحیح است) اینست آقایان چرا قانون می آورید برو شخصیت پیدا بکن که بزرگ ابراهیمی وقتی رفت خدمتش تعظیم کرد عارش نیاید (احسنت) همین شخصیت ها را بنده خودم در این زندگی خود دیده‌ام حاج معتمد السلطنه را دیدم شریف الدوله را دیدم منصور الملک را دیدم سمیعی را دیدم و امثالهم ضمنا مستوفی مرحوم را هم دیدم اردلان را هم دیدم والله بحضرت عباس این کوچکها نمی توانند استاندار باشند بروید پی اشخاص درست و حسابی اگر شما استانداری فرستادید بمنطقه بنده و من که خواستم بیایم بیارفقای من خواستند بیایند و او ۱۷ فرسخ باستقبال من آمد وای بحال آن منطقه و آن استاندار و بنده وکیل ولی اگر استانداری بود که من با افتخار وارد شدم و رفتم باو تعظیم کردم مملکت درست میشود سردار فاخر حکمت استاندار کرمان بود بعدهم آقای کیک که استاندار است به بینید حالا چه خبر خبر است (یکنفر از نمایندگان - بنی آدم است) (چند نفر از نمایندگان - بنی آدم مرد خوبی است) بنده یک آدم بیکاره‌ای بودم وقتی می آمدم به تهران میرفتم با کمال افتخار خدمت آقا تعظیم می کردم برای اینکه سردار فاخر است اما فلان آدم بحضرت عباس استاندار خودم هم باشد پیشش نمیروم شما باید شخصیت بگردید قانون چیست، ناقص می آورید ما هم که اکثریت هستیم و موافق دولت هستیم برای خاطر دولت آنرا تصویب می کنیم (در این موقع یادداشتی به آقای بزرگ ابراهیمی رسید پس از خواندن گفتند) این راهم که نوشته درست نوشته است بهر صورت بنده معتقدم قانونی که جنابعالی آوردید چون مجلس با دولت همراه است با یک تعدیلهائی تصویب می‌شود مخالف هم نیستم اما این تذکر را مجبورم عرض بکنم خدا شاهد است آمپول قدرت باستاندار تزریق بکنید هر کس مثل بنده نفهم هم باشد باو تعظیم می کند آقای وزیر کشور تو خانواده‌ای برادر زاده اتابکی وزیر کشور هم هستی ده تا ۱۰ تا استاندار می‌خواهی چهار پنج تا خوب هستند باقی را از آن خوبها پیدا کن جایشان بگذار چون از اینها که هستند ۶۰۰ تا شان خوب اندولی شما مهندس کشاورزی دشت مغان را آورده‌اید استاندار میگفید باین خیال که وقتی این شخص استاندار شد کشاورزی ترقی میکند مهندس پارسا استاندار نیست و نمیتواند باشد آقای سرتیپ فرزانگان نمیتواند استاندار باشد بنده حقوقت را میگویم شخصیت میتواند استاندار باشد استاندار یعنی نماینده اول شاه جانشین نخست وزیر در استان

رئیس - ایشان موافق بودند ولی بعنوان مخالف صحبت کردند آقای صارمی.

صارمی - همانطور که تذکر داده شد یک قسمت از بیانات بنده را آقای بزرگ ابراهیمی بیان کردند و بنده میخواهم عرض بکنم که با نوشتن قانون اصلاح نخواهد شد هرچند قانون را خوب بنویسند و هرچه اختیارات زیادتر باستاندار ها بدهیم نتیجه ای نخواهد داد مگر اینکه کادر فنی فرماندارها و استاندارها تکمیل بشود استدعا می کنم جناب آقای اتابکی توجه بفرمائید شما اگر اختیارات فوق العاده دادید به آقای استاندار بهترین افراد را هم که بنظر میرسند بسمت استانداری انتخاب کردید اگر وسائل و وسائط تحت اختیار این فرد نگذارید بهیچ وجه من الوجوه قادر به انجام وظایف خود نیست و ای بسا از آن اختیارات سوء استفاده خواهد شد شما یکی از وسائلی که باید در تحت اختیار استاندار بگذارید فرماندارهایتان است متأسفانه کادر شما از لحاظ فرمانداری ضعیف است (دکتر امین - بخشدارهم ضعیف است کادر بخشدار و فرماندار ضعیف است) حالا یک قدری درجه بالاترا میگیریم بدبختانه و متأسفانه کادر رهبری شما هم در وزارت کشور برای آقایان فرماندارها ضعیف تر است شما فرمانداری دارید که آنرمال نیست میفرستیدش بیک شهرستانی (یک نفر از نمایندگان - برای دارالمجانین خوب است) در آنجا پیرمردی که ۹۰ سال زندگی کرده و تجارب دارد فضل دارد علم و اطلاع دارد در مقابل این شخص باید تعظیم بکند این نمیشود یکی

ازرفقا میگفت فرمانداری داریم که شبها روضه میخواند روز ها می آید در اداره فرمانداری مشغول بکار میشود آقااین روزاوضاع زندگی تغییر پیدا کرده هم احتیاجات مازیادترشده است وهم محتاج به افراد مطلع خواهیم بودطرز اداره کردن امروز هم اداره آنروز نیست که بادوسیه ساختن، تبعید کردن وکمیسیون تشکیل دادن وپرونده ساختن وگزارش دادن علیه اشخاص بتوانند اداره کنند تقاضا میکنم این موضوع رامورد توجه قرار بدهید وببینید که دنیاچقدر برای مستخدمین خودش احترام قائل است ووسائل برای آنها فراهم میکند، درامریکا بجای اداره استخدام که اداره کل استخدام است یك سیویل سرویس دارند حالا سازمان این چیست و چقدر برایش اهمیت قائلند قابل توجه است یعنی هیئت مدیره ای دارند که یك فردش باید ازپارتی مخالف باشد و یك فردش منتخب رئیس جمهور باشد ویك فردش ازپارتی موافق باید باشد بنابر این نمایندگان کلیه افراد مملکت باید در این سیویل سرویس در این اداره کل استخدام واداره آن شرکت داشته باشند دراینجا مستخدم عادی را اگر چنانچه خواستند بکار بگمارند بایستی یکدوره مطالعات وافی وکافی پسیکولوژی بدست بیاورد یعنی دردرجه اول تدریس میکنند وباو تعلیم میدهند که چطور ممکنست دربین افرادملت دربین اربابان مراجعات نفوذ پیدا بکنند، چگونه میتواند جلب اعتماد رئیس مربوطه اش رابکند چه اقدامی بایستی بکند تا بتواند نسبت بزیر دستان نفوذحقیقی وقلبی پیدابکند امروز روی این جریانات دارند پیش میروند ولی متأسفانه ما برای مشاغل اولیه کشورمان بهیچوجه توجه کافی نمی کنیم همانطور که عرض کردم یك فرد فرماندار در کلیه شئون اجتماعی حوزه مأموریت خودش تأثیر دارد بدبختانه کسانی را میفرستند که بالفبای اجتماعی آشنا نیستند من یك موضوعی را دیدم که بقدری برای من موردتوجه واقع شد که حدندارد و آنرا بعنابالی عرض میکنم آقای اتابکی مزاحمه بفرمائید که چیست آقای مهندس جفرودی یکروز درپشت این تریبون بیان کردند که کادر فرماندارهای ما ضعیف است، یك مأموریکه ازادارهٔ پست رفته بود و شده بود فرماندار برمیدارد گزارشی مینویسد بوزارت کشور که آقا پمن اهانت شده است و من تعقیب مهندس جفرودی راتقاضا دارم ،وزارت کشورچی جواب می دهد ؟ وزارت کشورمیگوید نامه شماره فلان شما رسید مورد تعقیب واقدام قرارمیدهیم ،یك فردی رافرستاده اند آنجا که تا این اندازه باصول اجتماعی و قانون اساسی آشنا نیست واین بکوشش نخورده است که مجلس چیست مشروطیت کدام است قانون اساسی چیست مصوبات وحتی نظارت به تمام امور حوزه ماموریت خود دارد یکی ازادارات دولتی دادگستری است (صحیح است) (دکتر امیر حکمت- استثنا کرده) خیر قربان راجع بتفتیش استثناء کرده درماده اول استثناء نشده است بموجب قانون اساسی یکی ازارکان ثلاثه مشروطیت که استقلال تام وتمام آن راقانون اساسی شناخته است قوه قضائیه کشوراست یکوقتی در آئین دادرسی مدنی یك ماده ای میخواستند بگذارند جنجالها شد گفتند باین که وزیر دادگستری ریاست قائله بردادستانها دارد گفتند دادستانها قاضی ایستاده هستند ونباید این ریاست را برای ریاست دادگستری قائل بشوند برای وضع چنین ماده ای که چندان اشکالی نداشت صحبتها شد سرو صداها شد وبعقیده بنده یکی ازمواد غلطی که تاپامروزهم وجوددارد بهمین ماده است چگونه شما میخواهید برای استقلال رریاست عالیه نسبت بقوه قضائی کشورقائل بشوید برخلاف قانون اساسی است (دکتر امیر حکمت- استثناشده) آن استثنا نسبت به تغییر رتبه یلش شده ولی در ماده اول استثنا نشده وبنحواهم وکلی نوشته شده است بنابراین وضع یك چنین ماده ای برخلاف قانون اساسی مورد ندارد ونمیتواند این نظارت رااعمال نماید استاندار باندا شتن اطلاعات قضائی و حقوقی چگونه میتواند نسبت بامری که جاهل است نظارت بکند مگراین که شما بتوانید قضاتی انتخاب بکنید وبفرستید تازه برای استاندار محکمه انتظامی تعیین بکنند والا مورد ندارد همین طوردرسایر موادچون قطعاً هرماده این جامطرح میشود و نسبت به آن بحث و مذاکره بعمل خواهد آمد پس تذکراتی که نسبت بموادهست درموقع خودش آنچه بنظرمن میرسد بعرض میرسانم ولی استدعا میکنم بنام یك فرد علاقمند بدولت این تذکراتی را که دادم حضرتعالی مورد دقت قرار بدهید و همانطور که عرض کردم امیدوار هستم که توفیق پیدا بکنید درتکمیل کادرتان اقدام بکنید این قانون چه باشد وچه نباشد یا اختیارات موجود باشد یانباشد باهمان قوانین موجودی که جناب آقای خلعت بری تذکر دادند بخوبی قادر بانجام وظیفه هستند ومیتوانند اصلاحات اساسی اجتماعی درحوزه ماموریت خودشان بکنند بشرطی که وسایل هم در دسترشان گذاشته بشود والااین قانون و هزارقانون دیگر وهزارها اختیارات بیشتر کوچکترین دردی دوا نخواهد شد امروز ممکن است این تذکر من دلنشین نباشد وبرای جنابعالی مقبول نگردد ولی واقعاً تحقیق بفرمائید تشریف ببرید یك لیستی بخواهید ازفرماندارهایتان ببینید اینها کیها هستند چی ها هستند اطلاعاتشان چیست تحصیلاتشان کدام است درحوزه هائی که ماموریت داشته اند چه کتابتکاریها بارآورده اند چند مرتبه درحوزه فرمانداری توقیف و بازداشت شده اند وامروز بعنوان فرماندار باز باو کار میدهید یك اصلاحی در کادر فعلی بفرمائید بله آقا حقیقتش توجه فرماندار خوب و تهیه وسائل بسیار کار مشکلی است، خیلی علاقمند نباشید که مقدار فرماندارها وبخشداریهایتان زیاد باشد تقلیل بدهید تا بتوانید فرماندار خوب انتخاب بکنید، بخشدار خوب بمحل ماموریت اعزام بدارید ، این تشکیلات وسیع را هم یکقدری فشرده تر بکنید و بنده امیدوارم توفیق باین اصلاحات مورد نظرتان پیدا بکنید

رئیس- آقای عمیدی نوری

عمیدی نوری- بنده برعکس نظر رفقا معتقدم حکومت ناشی از حکومت پارلمانی باید حکومت قانون باشد وتمام افراد اعم ازشخصیت دارو غیر شخصیت دار بایستی در کادر قانون محدود وبامر قانون انجام وظیفه بکنند بنا براین بحث اینکه ما قانون میخواهیم چه کنیم اگر کسی شخصیت داشت خوب اداره میکند اگر شخصیت نداشت خوب اداره نمی کند پس فلسفه حکومت مشروطه چیست پس نشستن اینجا وقانون وضع کردن چیست؟ آقای منصور الملك صورت مجلس مرقوم میفرمودند ومیفرستادند درمرکز ومرکز هم تصویب نامه طبق منظورشان صادرمیکردند ،خوب یك همچو اتفاق نظری پیش آمد صحیح اما معنیش این نیست که یك استانداری بدون اینکه اجازه قانونی درامری داشته باشد آن امررا اجرا بکند وماهم بگوئیم آدم خوبی است نخیر- بنده معتقدم در کاراستانداری ما تا بحال نقص قانونی بود استاندارهای ما اجازه نداشته اند وحالا هم ندارند اگر کسی کاری خلاف قانون بکند آن صحیح نیست الان یکی از همکاران مطلبی بمن فرمودند که دریکی از شهرهای شمال بودم درلاهیجان یا دریك منطقه دیگری رئیس دادگستری آنجا گفت فرماندار لاهیجان گفته است چرا رئیس دادگستری نباید خودش را بمن معرفی کند برئیس دادگستری گفته است که چرا نمیاید خودش را بمن معرفی کند خوب یك فرماندار غیرقانونی هم این جور پیدامیشود که بخواهد از قدرت خودش سوء استفاده بکند برئیس دادگستری که میخواهد نظارت دراعمال اوبکند و اورا تعقیب بکند این جورمیگوید ولی این دلیل این نیست که اواختیارقانونی دارد در این کاروما بگوئیم شخصیت خوبی است خیر تمام مامورین دولت محکوم بحکم قانون هستند هرچه قانون دستورداد اجرامی- کند اگردرعمل بد اجرا میشود عمل را باید اصلاح کرد بنا بر این بنده اصولا با لایحه ای بعنوان تنظیم اختیارات استانداران موافق هستم و معتقدم که این لایحه مهمی است وبایستی خیلی زیاددرش دقت وتوجه کرد سعی کردلایحه ای بشود قانونی بشود که هم استانداره ای ما شخصیت خودشان را درراه اجرای قانون

بکاربیرند این که تفاوت است بین آدم شخصیت دارو آدم شخصیت ندار این نیست که اوازقانون منحرف بشود وقانون رااجرا نکند یعنی درحدود اجرای قانون ابتکارات ونظریات بدهد که ممتاز ازدیگری باشد این معنیش این است معنیش این نیست که تخلف ازقانون بشود بنابراین آنکته اولی که بنده این جا بحث دارم بحث در کلیات این است ما که امروزمیآئیم بموجب این قانون اختیارات برای استانداران قائل می شویم اول هم بایستی فکر کنیم استاندار کیست بعد اختیارات اوچیست این الفبای هرقانونی است که اول شخص را تعریف میکند بعد موضوع را تعریف میکند وبعد مسائل بعدی را باو ضمیمه میکند ما در قانونی هستیم برای اختیارات استاندارها اول باید بگوئیم که استاندار کیست حائز چه شرایطی است ازاین چگونه اشخاصی باید انتخاب بشود سطح انتخابش را میبریم بالامنزه باشد بعدوارد این میشویم این اختیاراتی که ماقائل هستیم برای یك چنین استانداراهائی باید بدهیم یاندهیم والا مادام که این مطلب حل نشود موضوع اختیارات هم یك بحثی است قابل توجه و این است که بنده نظر مجلس شورای ملی راجلب میکنم که در درجه اول قبل ازماده اول ما باید یك ماده ای بگذاریم که استانداران چه کسانی هستند(اصدرزاده- وچه شرایطی دارند) ودارای چه شرایطی باید باشند و آن وقت آنچه اختیارات دست آن افرادی که صلاحیت اجرای این اختیارات رادارند دست آنها باشد الان جناب آقای وزیر کشور در حوزه ای فرمانداری را می- شناسم که رتبه ٤ است معاون او رتبه ۹ دارد این قابل هضم است ؟ یابخشدارش رتبه هشت است، باید دانست که استاندار کیست، فرماندار کیست چه شرایطی هست این ها اساس تنظیم تشکیلات وزارت کشور است و مادام که این ها مقدم نباشد نمیشود یك جوانی که منشی استاندار است این را یك مرتبه در یك محلی می برند وفرماندار میکنند دریك منطقه موثری جوان ۲٤ و ۲۵ ساله عصر هاوشب هاجلسات تمارباجلسات اموش داشته باشد این نمیتواند فرماندار آن محل باشد ونمیتواند سیاست وزارت کشوررادنبال کند این که عرض کردم همه اش رامیتوانم شخصش راهم معرفی میکنم چون دلیل دارم وبدون مدرك حرفی نمیزنم جناب آقای وزیر کشور پس سعی بفرمائید در موضوع اختیارات استاندارها وزارت کشور اول این مطلب حل شود که استاندار و فرماندار کیست و از این جهت این قانون بنظرمن ناقص است و بایستی در بحث مواد نمایندگان محترم نظرو پیشنهاد بدهند و این مطلب را حل بکنند مطلب دوم این است که ماسه قوه در مملکت داریم قوه مقننه قوه قضائیه و قوه مجریه واصل تفکیك قوااز اصول مسلم حکومت مشروطه ماست و درقانون اساسی قیداست ولازمه اجرای قانون اساسی این است که رعایت این مطلب بشود بنابراین ماباید قوه قضائیه خودمان راهمیشه محترم بشماریم و اصل تفکیك قوارادراین موضوع رعایت بکنیم و استاندار باهرمقام و اختیاری که به اومی دهیم یکی ازعمال قوه مجریه است ،تاب ماهیت نمیتواند بکند بنابراین نمیتواند هیچ استانداری هرمقام عالی هم که داشته باشد در امر قوه قضائیه دخالت بکند نظارت بکند ،عمل بکند این صحیح نیست ویکی ازنواقصی که جناب آقای صارمی هم خوب توجه فرمودند تذکر دادند و بنده درماده اول تا آخر که عبارت همه اش کلی است کلیه ادارات دولتی کلیه مامورین حتی فرض بفرمائید که در ماده ٥ که میگوید کلیه ادارات دولتی نمایندگان اعزامی ازطرف وزارتخانه ها نسبت به مسائلی که تماس با سیاست عمومی داردیا ممکن است ازلحاظ سیاست محل حائزاهمیت باشد بااطلاع و نظر استاندارمحل انجام وظیفه نماید یعنی چه، فرض بفرمائید که از دیوان کیفریا از بازرسی کل کشور هیئتی فرستاده میشود که عمل استاندار رارسیدگی کندو به بیند که استاندار چه خلافی کرده خوب این مامور اعزامی ازوزارت دادگستری است آنوقت این آقای اعزامی ازوزارت دادگستری باید بیاید درخدمت استاندار و بگوید نظر جنابعالی چیست بنده اجرا کنم نظر او این است که بنده فرشته هستم ودرعرش علیین پروازمیکنم و این شکایت بیمورد بوده است ایشان هم میگویند که برطبق قانون اختیارات استانداران نظر استاندار را اجرا کردم و گفتم آقای استاندار فرشته اند و این شکایت هم غیروارد است این صحیح نیست احتراز بکنند در کلیه این مواد اصل مربوط بقوه قضائیه واعمال نظارت قوه قضائیه راجدا بکنید ازاختیار استاندار جناب آقای خلعت بری ازدریچه چشم خودشان قضاوت میکنند ایشان یك شخص شریفی هستند مدتی هم استاندار بودند والبته کار صحیحی هم کرده اند وتصور میفرمایند که تمام استانداران هم مثل خودشان ممکن است باشند وبهمین دلیل میگویند این اختیارات کم است زیادتر بدهید بله اگرروی شخص ماقانون وضع میکردیم برای استاندار کم بودولی بنده بعکس جنابعالی قسمتی ازاین اختیارات را زیاد میدانم برای استانداره ا ومعتقد هستم که اصلا فلسفه دادن اختیار به استاندار چیست این است که امور حوزه ماموریت خودش راخوب اداره بکند بااین قانون موافقم اما آنجائی که مربوط است به اعمال نظارت از مرکز بعملیات استاندار دیگرحق ندارد چرخ نظارت ورسیدگی بکارهای خودش ورؤسای ادارات را لنگ بکند وکاررا بدست بگیرد درماده پنج این لایحه آنقدر دراختیارات افراط شده که تمام این نظارت ورسیدگی بکلیه وتمام رؤسای ادارات را بدست شخص استاندار داده وگفته است طبق نظر او عمل بکند وبنظر بنده افراط وزیادروی است درحالیکه ممکن است درقسمت دیگرهم اختیارات کم باشد آن قسمتی که مربوط باجرای وظایفش ذکر شده درمامورینش اگر نقص اختیاراتی دارد زیادتر بدهید اما آن قسمتی که خارج ازحدود محوطه اختیارات اراست و کلیه نظارت مملکتی است ماکه نمی- توانیم بگوئیم خدای نکرده استان های ما جدا از هم هستند ماکه نمیخواهیم به حکومت ملوك الطوایفی سابق برگردیم ما نمیخواهیم از مرکزیت احتراز بکنیم امابالا مرکزیت هم بصورت فئودالیسم مخالفم مامی خواهیم استاندار دردرجه حالی که ازمرکزیت واز این که ملك پیشنهادی برای تغییر یك عضو کوچك باید برای تهران بیاید ودر شیراز انجام نشود احتراز می کنیم نمی خواهیم اختیارمطلق باوبدهیم که اگر او روسای ادارات اش عمل خلافی کردند وازمرکز خواستند او بگوید حق نداری من خودم هستم این که نقض غرض است ومن خواستم نظر آقایان نمایندگان محترم رادربحث کلیات به این نکته جلب بکنم که اولا باید معلوم بشود که استاندار کیست فرماندار کیست وثانیا باید قوه قضائیه را منزه و مبری وجدا ازنظارت ودخالت استان داران قبول بکنیم وبگذاریم که او وظایفش را انجام بدهد(دکتر امین -دانشگاه هم هست ،ارتش هم هست) دانشگاه وارتش هم هست ،ولی قوه قضائیه جناب آقای دکتر شفیع امین مقام دیگری درمقابل قوه مجریه دارد ثالثا باید موادابن لایحه طوری تنظیم بشود که هم از اصل مرکزیت زیاداحتراز بجوئیم وهم ازاصل ملوك الطوایفی استانداران خودداری کنیم ،وحتی از یك اتمك هائی هم که دربعضی ازقوانین می آیدودراین جاهم این نمك قانون که معروف است وبوی غرض ازش میآیدازاین ها هم جلوگیری کنیم شما می بینید که در ماده ۱۲ یك دفعه گفته که هرجائی که آقای استاندار داش خواست درمعاملات ترك مناقصه بکنند بیشتر این نمك ها درقوانین این جوراست بالایش هم گذاشته هر گونه موارد برای اینکه دهن پر کند گفته از قبیل خواربار بیمارستان ها و مؤسسات مشابه در کلیه ساختمانها ومعاملات اجازه داده است میگوید آقای استاندار که موافقت کرده ترك مناقصه بشود بنده این جورفکرهای خصوصی را برای انحراف از یك مسائل عمومی نمی پسندم ، پس فلسفه دیوان محاسبات و رسیدگی ونظارت چیست و مادر هرقانون خاصی یك اختیارات خاصی بیك شخص خاصی میدهیم این را هم بایستی جلوگیری کرد و احتراز جست تا این قانون را بیك صورت خوبی تنظیمش بکنیم و الا بنده با اساس این لایحه موافقم و معتقد هستم که بهتر ازوضع سابق است آن قسمتی را که جناب آقای خلعت بری فرمودند که چه اختیاری دارد که بگوئیم پیشنهاد بدهد برای تغییر رؤسای ادارات درحالی که اینجا گفته است مکلف است وزیر که تسلیم بشود و بعدهم گفته که اگر اختلافی شد نخست وزیر قضاوت میکند بفرمائید که فرض کنیم اگر قرار شد که آقای استاندار تمام رؤسای حوزه خودش را گفت همه تغییر کنند وزیر مربوطه که مسئولیت در مقابل مجلس شورای ملی دارد و دولت که مسئولیت مشترك دارد بگوید این حرف صحیح نیست وزیر تسلیم او باشد وهم مقام مافوق نباشد این بنظر بنده دیکتاتوری است حالا این که آمده اند گمك کرده اند گفته اند آقای نخست وزیر حکم باشد ایشان یانظر وزیر را قبول کنند یا نظر استاندار را بنظر بنده خیلی بالا برده اند این مقام را که در مقابل وزیر واستاندار نخست وزیر حکم شده است و بنظر بنده تاحدی راه حل بدی نیست و جلو آن اختیارات را میگیرد (دکتر عدل- اگر استاندار در دادگستری دخالت نداشته باشد درهیچیك ازادارات ندارد) خوب اگر نظر جنابعالی این باشد که اگر استاندار در دادگستری دخالت نداشته باشد درهیچیك ازادارات ندارد بنده حرفی ندارم ولی مادر حکومت مشروطه هستیم و در سابق هم داروغه ها در حکومت استبدادی رسیدگی میکردند وتمام محاکمات را اداره میکردند مثل این که گفتیم آن بداست وحکومت مشروطه را قائل شدیم .

رئیس- پیشنهاد کفایت مذاکرات در کلیات رسیده قرائت می شود .

(بشرح زیر قرائت شد)

ریاست مجلس شورای ملی

اینجانب پیشنهاد می کنم که مذاکرات کافی است .

ابتهاج

رئیس- آقای ابتهاج

ابتهاج- گمان میکنم که دیگر در کلیات باندازه کافی مذاکره شده است وهمه آقایان هم تصدیق دارند از اینکه لایحه محتاج باصلاحات است باین جهت بنده پیشنهاد میکنم براین که مذاکرات بهمین جا ختم شود وپیشنهاداتی که آقایان برای اصلاح این لایحه دارند تقدیم کنند درضمن میخواستم استفاده کنم که این لایحه درزمان وزارت آقای اتابکی داده نشده است و این لایحه وزیرمقابل بوده بنده ازایشان خواستم تقاضا کنم موافقت بفرمائید که نه فقط برای استانداره ا بلکه وظایف فرماندارها هم معلوم بشود برای این که اینها مهم ترند اینها هستند که عده شان زیاد تراست واشخاص نالایقی که وظیفه شان را نمیدانند دربین اینها یافت میشود بعلاوه

میخواستم یك چیزی عرض کنم که نکته‌ای که غالب آقایان در تذکر انشان یك نیشهائی به استانداران زدند چون این مذاکرات منتشر می‌شود وممکن است اسباب یأس بعضی از آقایان استانداران را فراهم بکند میخواستم عرض کنم در بین استانداران اشخاص خیلی شریفی هستند امثال جناب آقای محسن رئیس جناب آقای ذوالفقاری وجناب آقای افخم حکمت وآقای سرتیپ امین آزاد . . .

رئیس- اسم آنها را ببرند .

ابتهاج - خواستم عرض کنم که همه استانداران را دریك ردیف نبستند .

رئیس- آقای مهدوی با کفایت مذاکرات موافقید .

مهدوی- بله موافقم

رئیس- آقای ارباب

ارباب - بنده موافقم

رئیس- آقای مهندس جفرودی مخالفید بفرمائید .

مهندس جفرودی - آقایان محترم ملاحظه فرمودند که درمیان چهار نفر از نمایندگان محترم که درباب این لایحه صحبت کردند سه نفر جداً مخالف بودند و بسیار مطالب اساسی فرمودند . بیانات جناب آقای عمیدی نوری را هم بنده قصد داشتم بطور مستدل جواب بگویم، بنظر بنده در اطراف این لایحه که سرتاسر شهرستانها با مفاد این لایحه تماس دارد و مخصوصاً رفتار استانداران در نواحی مرزی فوق‌العاده باید مورد توجه مجلسین قرار بگیرد از این جهت است که مطالب گفتنی در مورد این لایحه خیلی زیاد است و من خیال میکنم که اکثریت قاطع مجلس با این لایحه نظر مخالف دارند و شاید جناب آقای وزیر کشور ناراحت باشند که از این لایحه دفاع میکنند به همین جهت است که بنده با پیشنهاد کفایت مذاکرات مخالفت کردم حالا بسته به رأی آقایان است ما حرف‌های خودمان را در مواد خواهیم زد .

رئیس - شور اول لایحه است بعد بکمیسیون میرود والبته آقای وزیر کشور هم حاضر میشوند و اگر اصلاحاتی لازم باشد داده خواهد شد آقای مهدوی موافقید بفرمائید

مهدوی - بنده تصور میکنم که مطالب به اندازه کافی گفته شده و بنده که موافق کلیات هستم شاید با اغلب مواد این لایحه مخالفم وبسیار چیزهای زیادی در اینجا گذارده شده ولی اصولا بنظر بنده مصلحت است که در متن مواد وارد بشویم آقایان اگر صحبتی داشته باشند آقای مهندس جفرودی خیال میکنم درماده اول هم مثل کلیات میتوانند مطالب خودشان را بگویند وبعد وارد متن بشویم در موادهم هرچه میخواهید میتوانید بگوئید

رئیس- رأی میگیریم به کفایت مذاکرات در کلیات آقایانی که موافقند قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد رأی میگیریم بورود درمواد آقایانی که موافقند قیام بفرمایند (اکثر برخاستند) تصویب شد ماده اول مطرح است وقرائت میشود

(بشرح زیر قرائت شد)

ماده اول - استانداران در حوزه مأموریت خود نمایندهٔ اول دولت و مسؤل مراقبت در اجرای سیاست عمومی دولت هستند وبر کلیه ادارات دولتی محل ریاست عالیه وحق نظارت بتمام امور حوزه مأموریت خود دارند

رئیس- آقای ارباب

ارباب- لوایحی که مطرح میشود با حال این که جناب آقای وزیر محترم کشور بااین مباحث زیاد آشنایی نداشته باشند (صارمی- آقا دکتر حقوق هستند) خواستم عرض کنم فلسفه مذاکرات اینست که هر کدام از این تذکرات رامفید بدانند یادداشت بفرمایند و درعمل ودر موقع اخذ تصمیم رعایت بفرمایند (صدرزاده - آقا شما موافقید یامخالفید ؟) بنده مخالف هستم ودارم عرض میکنم البته بنده موافق دولت هستم و معتقدم از این لحاظ مخالفت با این لایحه هستم برای اینکه این لایحه اختیارات نیست بلکه لایحه تحدید اختیارات است . استاندار مقتدر قانونی اختیارات طبیعیش خیلی بیش از این لایحه است (صحیح است) خیلی بیشتر است، واین لایحه آن اختیارات را تحدید کرده ومعتقد بنده باتقدیم پیشنهاد یااظهار نظر دیگری بایداین لایحه خیلی اصلاح بشود مثلا ماده اول میگوید استانداران درحوزه مأموریت خود امانده اول دولت ومسؤل مراقبت در اجرای سیاست عمومی دولت هستند الی آخر . خوب اینها الان هم هستند، مگر حالا نیستند که شما قانون آوردید ؟ حال مافوق این هستند . نکته اینجاست که کراراً بنده عرض کردم حسن جریان امور تابع شخصیت اشخاص است کما اینکه دریك وزارتخانه یك وزیر مقتدر که اقتدار ذاتی دارد وقتی برود امور را دردست میگیرد و اصلاحات میکند وهمه ازاو تبعیت میکنند یك وزیر هم میرود هیچکس ازاو تبعیت نمیکند . استاندار هم همین است . این آقایان وزرای سابق و اشخاصیکه محترم هستند، آشنائی بامور کشور هستند در مرکز مملکت یکی سناتور است و یکی وزیر است وچه است وچه است، اینها باید بروند در استانها بنشینند (صحیح است) که تمام ادارات و دستگاه‌ها شخص اداره‌اش میکنند . بنده برای نمونه عرض میکنم که مرحوم قوام‌السلطنه وقتی که در حال احتضار بود کسی امید حیات او را نداشت مردم میرفتند بالای حس احترامی باو نگاه میکردند درحالیکه فردای آنروز نبود . درحسن انتخاب برای وزارت کشور یك تکلیف معنوی وجود دارد وقتی شخصیت های باصطلاح عمومی استخواندار ویا کدامن واهل تصمیم انتخاب کردند و بیك حوزه‌ای فرستادند همان مأمور ورئیس حوزه قضائی هم باو احترام میگذارد درحالیکه ازیکدیگر تفکیك هستند ولی استاندار نماینده اول شخص اول مملکت است بنابراین بجای این قانون بعقیده بنده میبایستی همت گمارد و در انتخاب اشخاص توجه کرد اشخاصی هم که واجد شرایط هستند باید از آنها خواست که یك مدت متمادی در یك ناحیه‌ای بمانند واصلاحاتی را که شروع می کنند بنتیجه برسانند . برای کارهای جزئی استاندار نمیایستی ازمرکز دستور بخواهد استاندار دریك ناحیه‌ای ازطرف شاه وازطرف دولت قوه مقننه و تمام دستگاه های مرکزی حاکم است حالا اگر یك بخشدار را بخواهد تغییر بدهد یك فرماندار را بخواهد تغییر بدهد یك مأموری را برای انجام امری بخواهد مأموربکند دستور گرفتن ازمرکز معنی ندارد باید استاندار بتمام معنی استاندار یا والی باشد فرق داشته باشد اگر اینطور باشد کار ما جریان خوب پیدا می کند والا این قانون هیچ اثری ندارد این قانون اختیارات استاندارها را کم کرده . آقایان بنده قانونی میخواهم که در آن بیائیم براختیار استاندارها بیفزائیم جائی که استاندار دارد اختیارات هم باید داشته باشد ، آمدیم یك چنان استانداری هم فرستادند . اگر این وظائفی که بر عهده‌اش بوده یا طبق این مقررات بر عهده‌اش گذاشته می‌شود اگر انجام نداد چه باید بشود؟ باچنین استانداری چه میکنند یا اگر یك استانداری رفت وعوامل دیگر وسایر ادارات بااو همکاری نکردند اوچه باید بکند؟ (یکنفر ازنمایندگان - هیچ چیز) اینها نکاتی است که باید توجه کرد . ببینید ضامن اجرای این موضوعات چیست و کیست ، بعقیده بنده یك وزارت کشوری که واقعاً متوجه تمام مملکت هست ، خود وزارت کشور باید درحسن انتخاب اشخاص توجه کند وتقویت کند ودر اینصورت دیگر احتیاج باین قوانین نداریم (صحیحست) بنده در اینجا خواستم یك تذکری عرض کنم بمناسبت اینکه جناب آقای وزیر محترم کشورهم شخص بی‌نظری هستند وآنچه بنده می شناسم مرد اصیل وشریفی هستند (صحیح است) وسالها در وزارت امور خارجه انجام وظیفه می کردند ومیدانند اهمیت خلیج فارس برای کشور ایران چیست (احسنت) بعقیده بنده دیگران نمی‌دانند آقایان صدها جزیره داریم که (یکنفر ازنمایندگان - زیر آب است) غیر روی آب است ، بعلاوه که روی آب است خیلی از ادارات مرکزی اسمشان را هم نمیدانند وبنده هم که نماینده آنها هستم . اسمشان را راهم نمی‌دانم تابحال آن اهمیتی که باید بخلیج فارس نداده‌اند و توجه باین نشده است خلیج فارس محتاج بیك استاندار مقتدر وتوانائی است که دارای تمام وسائل باشد یعنی درصورتیکه بخواهد فعالیت بکند وسائل دریائی میخواهد وسائل هوائی میخواهد وسائل زمینی می‌خواهد، تشکیلات میخواهد اگر چنین استانداری تعیین شد بنده به آقایان قول می‌دهم که بعد ازپنجسال معادل تمام بودجه کشور از خلیج اضافه درآمد خواهیم داشت بعلاوه مافردفردمان باهمیت خلیج واقف هستیم ولی به هیئت اجتماع مثل اینکه درست توجه نمیکنیم تعجب اینجاست که یك کشور گوچولوئی که هیچ ارتباط باخلیج فارس ندارد یك جنونی پیدا کرده که میخواهد اسم گذاری بکند برای خلیج فارس (یکنفر ازنمایندگان - کدام کشور است؟) لبنان را شنیده‌ام که در اوراقی می‌نویسد که خلیج فارس اسمش را عوض کرده‌اند این خیال است، یك جنونی است خلیج فارس خلیج فارس است وهیچ تغییری نمی‌کند واین افکار کودکانه و جنون آمیز ناشی ازاینست که آن توجهی که ماخودمان باید بخلیج بکنیم هنوز بحد کافی نکرده‌ایم آنجا تشکیلات عالی میخواهد تشکیلات وسیع میخواهد ، یك فرماندار فرستاده‌اند دریك گوشهٔ بوشهر وبیچاره وسیله هم ندارد که کاری بتواند انجام بدهد .

خوشبختانه فعلا توجه شخص اول مملکت معطوف بخلیج شده است وتوجه کامل مبذول بدارند ولی هنوز هواملش تشکیل نشده است . بنده حالا بیشتر ازاین مصدع نمی‌شوم (احسنت) مطالب زیادی هست که درمواد عرض میکنم و خواستم مجدداً بآقایان عرض بکنم که این لایحه لایحه تحدید اختیارات است ، نه لایحه اختیارات و الان استاندارها اختیارات معنویشان ووظیفه‌شان بیشتر ازاین است که دراین قانون آمده است .

رئیس- آقای رامبد

رامبد (مخبر کمیسیون شور)

مجموعه فرمایشات آقایان محترم حاکی از این بود که دروضعیت استانداری ها و اختیارات استانداران و مسئولیت ایشان باید تجدید نظر شود و تقدیم این لایحه از طرف وزارت کشور دال براطلاع این وزارتخانه ازنظریات آقایان محترم است که خود وزارت کشور هم معتقد بر این است که دروضعیت استانداری‌ها واختیارات ایشان ووظایف ایشان تجدید نظری بتناسب اوضاع روزباید بشود وروی این نظر این لایحه تقدیم شده ، البته شور اول است و برای همین که نظریات آقایان محترم مورد توجه سایر نمایندگان محترم قرار بگیرد و دولت هم راهنمائی لازم بشود لایحه مطرح شده است .

جناب آقای خلعتبری معتقد بر این هستند که این اختیارات کم است، جناب آقای صارمی نظر دادند که این اختیارات باید تحدید بشود همکار محترم آقای بزرگ ابراهیمی درتعیین استانداران ونحوه اختیار ایشان نظریاتی فرمودند که جناب آقای عمیدی نوری درتحدید اختیارات وقانونی

بودن اعمال ایشان فرمایشاتی بیان کردند مجموعه این مطالب هم از طرف جناب آقای وزیر کشور وهم بنده که مخبر بودم یادداشت شد تا درمواد لایحه که مورد طرح قرار می گیرد بنا بنظریات خود آقایان پیشنهادهایی که تقدیم مجلس می کنند در کمیسیون مجدداً مطرح شود وآنچه که بصلاح وصرفه مملکت باشد وافراص موجود درلایحه هم رفع بشود در کمیسیون مجدداً تصویب شود و تقدیم مجلس شورای ملی شود که نظریات عموم آقایان تأمین شده باشد .

رئیس- آقای دکتر شاهکار

دکتر شاهکار- بنده برای اینکه این قانون که تقدیم مجلس شده است کاملا مورد توجه وعنایت آقایان قرار بگیرد جلب توجه آقایان را می کنم به قانونی که در ۲ سال ویکماه پیش از این یعنی درذیقعده ۱۳۲۵ گذشته است ودارای ۴۲۶ ماده وتعدادی مواد اضافی و الحاقی است یعنی بنظرم از مشروطیت ایران یکسال بیشتر نگذشته بود که بلزوم تشکیلات وقانون ایالات و ولایات پی بردند واین قانون درتحت عنوان قانون تشکیل ایالات وولایات ودستور العمل حکام نوشته شده است وبرای نتیجه‌ای که میخواهم بگیرم اجازه میخواهم که یك ماده از این قانون را که مربوط به ممالك محروسه ایران است بعرضتان برسانم «چون از طرف دولت امور ولایت بعهده کفایت وصداقت حاکم که رئیس ولایت است محول شده حاکم باید بیش از همه در حفظ منافع ومصالح دولت وملت و اجرای قوانین ونظامنامه‌ها ودستورالعمل های ادارات متنوعه و قراردادهای انجمنهای ولایتی و بلدی بکوشد وفواید مملکت و منافع اهالی را درنظر داشته باشد و احتیاجات آنها را بفهمد وبااختیاراتی که بحکام داده شده امنیت و رفاهیت قاطبه اهالی را فراهم آورد و قوانین وقواعدی که برای نظم و آسایش عموم ایجاد شده است بموقع اجرا گذارده وهمچنان برعهده حاکم است که در تهیه اسباب حفظ‌الصحه ووفور ارزاق و آذوقه درولایات بکوشد وناظر اجرای کلیه قوانین ودستورالعملهای راجعه به ادارات محلیه که درقلمرو ولایت تأسیس شده باشد» (احسنت) ملاحظه بفرمائید این قانون که در ۵۲ سال پیش نوشته شده و شاید آنوقت‌ها دکترهای حقوق از دانشگاه های بزرگ اروپا و آمریکا نیامده بودند این آقایان بایك حس وشعور عادی ومنزه و منظم قانونی تنظیم کردند که امروز بنده استناد بمواد این قانون میکنم وبا کمال تأسف باید عرض کنم که بعداز ۵۲ سال در قانونی که ما می‌نویسیم باید برگردیم به‌بینیم که آن قانون چه بوده است واز آن استفاده بکنیم وبگوئیم این قانون تأمین نظر مخالف و موافق رانخواهد کرد . از ۱۳۲۵ قمری که گذشتیم در ۱۳۱۶ شمسی مثل اینکه سی سال قبل است یك قانونی گذشته (صدرزاده- قانون تقسیمات کشور) که در آن قانون باقتضای زمان که بیشتر بواژه والفاظ اهمیت میدادند آمدند الفاظ را تغییر دادند و گفتند استان و شهرستان وکدخدا و دهدار واز این جورچیزها و نیز آمدند استانها را نمره گذاری کردند بنده اقدام نمره یك و جناب آقای رامبد نمره ۲ و به جناب آقای صارمی هم بنظرم نمره هفت دادند و در این قانون برای این کار هیچگونه مطلبی در نظر نگرفتیم بنده بارها این مطالب را گاهگاهی که تصدیع می‌دهم عرض کرده ام میگفتم آقا یك مسائلی هست که در دنیا حل شده ولی وقتی به مملکت ما می‌رسد یك مساله غامضی می‌شود . ما سه جور سیستم دردنیا داریم یك سیستم مرکزیت داریم که مرکزیت تغییر میشود بمرکزیت مطلق ونسبی ، مرکزیت مطلق عبارت از آن سیستمی است که در مرکز یك زنگی صدا میکند وصدایش درتمام ولایات شنیده میشود فعلا موقع عرض عیبش وحسنش نیست آقایان اطلاع دارند ، یك سیستم دیگر داریم بنام عدم مرکزیت یادسانترالیسم یعنی بجز سیاست عمومی کشور وسیاست خارجی کشور درولایات حرف آخر باحاکم وانجمن محل ومخصوصاً حکام انتخابی است واین غیر از ملوك‌الطوایفی است یعنی درامور ارتش ودرسیاست کلی شهرستانها تابع مرکزند ولی برای اداره وتأمین ووفور ارزاق عمومی وتعمیر راهها آنها خودشان تصمیم میگیرند وانجام میدهند فقط بیك اشکالی برخوردند دربعضی ازممالك که بنده بعنوان مثال عرض میکنم که درفرانسه سنت راتین چون یك شهر صنعتی است ثروتمند است ولی مثلا شهر نانت چون درآمد زیادی ندارد قبول کرده‌اند که مرکز به بعضی ازاین ولایات که متمول نیستند ومتمکن نیستند کمك بکند . یك صورت دیگر هم هست، یك سیستم دیگری هم داریم دراینجا من جواب توجه جناب آقای عمیدی نوری را میکنم این سیستم الان به فکر من آمد وآن سیستم عدم تمرکز است سیستم عدم تمرکز نه مرکزیت است ونه عدم مرکزیت ، یعنی چه ؟ عدم تمرکز یعنی تمام امور کوچولو می‌آید و در یك نقطه تمرکز پیدا میکند ، یك اداره‌ای هست که چون من برئیس اداره‌اش ارادت دارم اسمش را عرض نمیکنم ، چطور بگویم که بزرگ ابراهیمی با هوش اداره‌اش را نشناسد ، یك اداره هست که کوچکترین امری که مربوط بیك شهرستانی است باید باکسب اجازه ازاین اداره باشد وما که در تهران برای خروج یك کاسه بشقاب که ازیکی از ولایات برایمان آمده است ومیخواهیم این را خارجش بکنیم باید دوساعت ونیم از این اداره بآن اداره برویم برای امضا کردن وتصدیق دادن ملاحظه بفرمائید اگر تمام این امور ازامر وفسا وخوی وشهرهای فارس بیاید بتهران دچارچه اشکالی خواهد شد این وضع یك نتیجه بیش نخواهد داد وآن عدم اجرای کارها وممنوع ماندن آنهاست . بنده چندروز پیش دریکی ازاین شهرستانها بودم ویکی از کوچه‌های شهر اسفالت نبود وسنگلاخ بود بنده بایشان گفتم که این کوچه کی اسفالت میشود گفت آقا این مربوط بشهرداری نیست، گفتم پس مربوط بکیست ؟ گفت این مربوط بوزارت راه است گفتم این کوچه شهراست، گفت در تقسیماتی که کردند این قسمت افتاده است بوزارت راه ووزارت راه هم این کوچه را اسفالت نمیکند وآقای فرماندار هم که صحبت کردم اختیاراتش راجع باسفالت آن کوچه همانقدر است که اختیارات بنده در وزارت پست و تلگراف یعنی مثل خود وزیر پست وتلگراف هر دومان بیچاره وبی‌اختیار هستیم این بود که بنده دیدم درنتیجه این قانونی که ملاك کاریك مطلبی نیست، بنده اینجا چون راجع بماده اول صحبت میکنم یك مطلبی را عرض میکنم ، درینجسال پیش ما یك جمعیت سیاسی بودیم دورهم جمع شدیم یکی ازنکاتی که بنده پیشنهاد کردم همین سیستم عدم مرکزیت ولایات بود ، فقط کاری که نشد برای بنده پروندهٔ سازی نشد یعنی عنوان چپ وغیر چپ وکمونیست هم بمن داده شد وگفتند که توخیال بلوا داری ، امروز دراین مجلس شورای ملی ازطرف یکعده همکاران بسیار مطمئن و دشمن درجه یك کمونیسم که خوشبختانه ازسمت چپ تاسمت راست مجلس نشسته‌اند تبا کورشود هرآنکه نتواند دیدو مالفت کمونیست وتنفر برایمان یك معنی بیشتر ندارد همه‌مان وقتی صحبت کردیم دیدیم بیشتر میل بطرف عدم مرکزیت است که این اختیارات بشهرستانها داده شود ، بنده الان یك لغتی استعمال میکنم حتی همان ایرادی را که چند سال پیش کردند عرض میکنم، بنده میگویم که استاندار انتصابی معنی ندارد استاندار انتصابی اساساً تأمین نظر آقایان را نمی کند مخصوصاً شما آقایانی که نمایندگان ولایات هستید چون استاندارها بسیار مرد نجیب شریفی است و کاری هم با ما ندارد فقط همه ساله یك کارت تبریك برای بنده می‌فرستد وبنده هم جواب میدهم ، بسیار مرد شریفی است ولی کاری ندارد ، استاندار تهران، حوزهٔ انتخابیه بنده کاری ندارد چون این جا رئیس الوزراء ووزیر داخله و وزیر صنایع داریم ودیگر استاندار معنی ندارد ، امادر ولایات شما آقایانی که نماینده ولایات هستید بنده خیال میکنم که اسم این را عدم اطاعت ازمرکز نمیگذارند، بلکه اسم این را عدم قیمومت میگذارند. یعنی چه ؟ یعنی این مطلب برای ما معرز است که تا ۲۲ میلیون جمعیت ایران یك صدا ویك - معنی ویك حرف می‌گویند شاه، در این که کوچکترین تردیدی نیست اعم از کردستانی وفارسی وآذربایجانی وتهرانی (صحیح است) سیاست خارجی کشور مسلم وروشن وبارز و مجز است ودر آنهم ما اختلافی نداریم ، بحث دراین است که آیا عوارض گندم بایددر شهرستان زنجان گرفته بشود یا خیر ، این را محمد شاهکار صلاحیت ندارد که تعیین کند این را بنده صلاحیت ندارم جناب آقای رحمت اقابگی دوست بسیار عزیزمن که کاربر خودشان را درخارجه طی کرده اند امید- وارم در امور کشورهم وارد بشوند ایشان هم صلاحیت ندارند رئیس اداره امور شهر- داری‌ها هم صلاحیت ندارد کی صلاحیت دارد ؟ یك فرماندار انتخابی محل که او میتواند بفهمد که صلاحیت این ناحیه از نظر عوارض چیست ، بنده جناب آقای عمیدی نوری دریکی از استانهائی که جنابعالی انتریسه هستید بنده یك استاندار ، یك فرماندار، ویك بخشدار می‌شناسم که بخشدار خیلی معذرت می‌خواهم از این لغت بخشدار تره برای فرماندار خورد میکند ، فرماندار هم بهیچ وجه اطاعت از استاندار نمیکند استاندار هم فقط نشسته است ببیند این دو سال وقتش کی تمام می شود که از آنجا برود این قابل تأسف است یك وقت موقعی که تشکیلات دادگستری شروع شد که آقای عمیدی نوری از اعضائی بودند که در آنموقع ازطرف مرحوم داور دعوت شدند بداور فشار آوردند که یك عده‌ای را بیاورند وبدادگستری وداور به قوه قضائیه اهمیت میدادو آنکسانی که بداور فشار میآوردند هرمرده باد و زنده بادی که بداور فشار میآورد آن‌ها را میفرستاد به اداره ثبت اسناد اصلا عادت اینکه ثبت اسناد ما خراب شد این طور بوده بعد هم خواستند که ثبت اسناد را درست کنند آمدند یك اداره تأسیس کردند بنام اداره نظارت که بنده اسمش را گذاشتم زنبیل عدلیه وهر کس که قاضی بود وبد کار میکرد و ناراحت بود اورا میفرستاد به اداره نظارت نظارتی که میخواست قضات را زیر محاکمه بکشد اما فعلا آن وضع عوض شده ولی زنبیل دیگری هست که چون مورد بحث نیست بنده عرض نمیکنم گاهی اوقات بعضی از استانداران را آقای وزیر کشور میفرستند به استانداری برای اینکه کار دیگری ندارند بآن ها بدهند (صدرزاده - واز او هم کار دیگری

بر نمی آید) این سیستمی است که من واقعاً نظر آقایان نمایندگان ولایات را نمیدانم که رفاه وصلاح اهالی حوزه انتخابیه شان را تأمین میکنند یا نمیکنند . وقتی جنابعالی بمن بگوئید آقای دکتر شاهکار تو یکسال ونیم وقت داری تافلان مأموریت را بتو بدهم فعلا تشریف ببرید بشوید استاندار رفسنجان من هم یك تقویم میگذارم جلو خودم وروز بروز ورق شماری میکنم که ببینم ازاین ۳۶۵ روز ۱۷۵ روزش گذشته است بقیه اش کی تمام میشود دیگر این شخص چه رسیدگی میتواند بکند که احتیاج اهالی چیست ازاین جهت بنده در ماده اول پیشنهادی کردم و به عرض خواهم رسانید مطمئنم که مواجه با اشکالات خواهد شد ولیکن حد اقل در کمیسیون ممکنست که یك تعدیلی بشود . بنده عقیده ام این است که ما تمرکز را از بین ببریم واین غیر از آن ایرادی است که جناب آقای عمیدی نوری فرمودند حکومت ملوك الطوایفی دیگر در این مملکت بخواب هم دیده نخواهد شد چون ملت ایران دارای یك کمیه ویك آمال است ودنبال آن هم میرود مادر امور داخلی وامور اداری داریم صحبت میکنیم ، ما ازاین سیستم تمرکز یعنی این سیستم واین رویه ای که آمده وتمام کارها را جمع کرده وبه آن ها نمیرسد باید بالضروره بپرهیزیم برای اینکار باید استان دار و استانداری را یك مقام با قدرتی بکنیم الان ایراد آقایان چیست ؟ بعلت اینکه درسابق برمیخوردید به استاندارهائی که این آقایان استاندارها کافی ولایق نبودند، بلی آقا اینطور هست ولی من شخصی را در نظر نمیگیریم میگویم بر دولت است که یك فرد لایق ومؤمن بفرستند مثل مثال هائی که آقای بزرك ابراهیمی زدند ، از آن خوب هایشان عرض میکنم دو سه نفر را اسم بردند ، جناب آقای سردار ناصر را فرمودند اسم آقای دکتر اقبال را بردند، مثلا آن هائی که خوب هستند ، بنابراین ما بشخص کاری نداریم ، اما این آقائی که میرود در آنجا مطابق این لایحه جدید، آقای وزیر کشور شما استاندار را یکنفر ناظر، یکنفر مراقب ، یکنفر رئیس مالی انتخاب فرمودید ، شما استاندار را میخواهید که درمحل نظارت ومراقبت وحکومت کند یا اینکه برای افتتاح نمایشگاه کشاورزی و چکوانگی بالا رفتن شیر گاوها ایشان بیایند آنجا را افتتاح بکنند دراین صورت این یك مأمور تشریفاتی است ومنهم اورا بیش از این نمی دانم البته همانطور که آقایان صارمی وعمیدی نوری تذکر دادند صد در صد این حرف مسلم است که استاندار حق ندارد که درداد گستری یعنی در رکن سوم مشروطیت ایران دخالت بکند این حرف قطعی است وغیر قابل تردید ومن مطمئنم که تنظیم کننده این لایحه وجناب معظم تصدیق خواهند فرمود که ایشان هم نظری نداشته اند که قوه مجریه درامور قوه قضائیه دخالت بکند اما قوه قضائیه را که بگذارید کنار باید آقای استاندار یك اسم بامسمائی باشد آن وقت ها مامی گفتیم حاکم کسی است که حکومت بکند بگوید لقد حکمت بذلك وحرفش هم قطعی است نه این که بیاید تماشاچی باشد . از این جهت بنده ماده ۱ را این جوری میدانم البته آقایانی که با ظرافت عبارات آشنا هستند اختلاف این عبارات را توجه دارند بنده پیشنهاد میکنم که استانداران در حوزه مأموریت خود نماینده اول دولت بوده ومسؤل اجرای سیاست عمومی دولت وتأمین کلیه احتیاجات حوزه مأموریت خود بوده ونظارت در کارهای قوه مجریه حوزه استانداری خود دارند (یکنفر از نمایندگان - بسیار خوب است) یعنی چه؟ یعنی اولا قوه قضائیه را بکلی کنار بگذاریم . ثانیاً از این عنوان های توخالی ریاست عالیه مراقبت بالا بازرسی کل وجناب اجل، از این ها صرف نظر بکنید یعنی عوض این که استاندار روز اول فروردین بنشیند در استانداری و رؤسای ادارات بیایند سلام بکنند ، آقای استاندار در روز اول فروردین تشریف ببرند بشهرهای تابع و ببینند که این حشم و این گاو و گوسفند مردم را که سرما زده است و از بین برده است چه راه حلی میتواند برای این کار پیدا بکند که مردم دچار خسارت نشوند . من نمیدانم کدام یك از آقایان الان در این جا فرمودند که جای استاندار دریکی از شهرستان هاست من یکوقتی بیك مقام بسیار ارجمندی عرض کردم که وزیر فرهنك جایش در یکی از مدارس است باید یکی از مدارس را انتخاب بکنند و آنجا بنویسند اطاق وزیر نه این که جای وزیر در یك جائی باشد ومدرسه و فرهنك جای دیگر باشد . استاندار هم جایش غیر از آنجائی است که یك اطاقی دارد ویك کولری دارد ودوتا پیشخدمت واکسیل بسته خیر استاندار آذربایجان باید یکروز در اردبیل باشد یك روز درمراغه یك روز در خوی ویکروز در ماکو وبه مطالب مردم رسیدگی اما باید این شخص اختیار داشته باشد بکند آقایان میفرمایند که در انتخاب شخص دقت بفرمائید در آن موقع دقت بفرمائید مادامی که من هنوز اینقدر جسارت نمیکنم که بگویم استانداران را انتخابی بکنید ، چرا؟ دلیلش خیلی روشن است برای اینکه هنوز این رشد را ندیده ام ان شاءالله در آتیه نزدیکی این قضیه عملی خواهد شد که استاندار فارس را اهالی فارس بنشینند انتخاب بکنند استاندار آذربایجان را اهالی آذربایجان، استاندار کرمان راهم کرمانی ها انتخاب بکنند ولی قبل از اینکه باین مرحله برسیم کسانی که میفرستند به آنجا ها، در واقع رئیس تشریفات می فرستند ، آقائی را بفرستید که در قوه اجرائیه همین عنوان را که باو میدهید، یعنی نماینده اول دولت، واقعاً این عنوان را داشته باشد دولت یعنی چه، دولت کسی است که مأمور اجرای اوامر شماست قانون یعنی امر، مقنن یعنی امر من وشما وآقایان که اکثریت را در مجلس تشکیل میدهیم اینجا میگوئیم که ازاین تاریخ ببعد هر کسی دزدی کرد باید برود درداد گاه ارتش محاکمه شود و بعد از ثبوت کارش اعدام شود قوه مجریه برای اینکار نشسته است که فرمایشات آقایان را اجرا بکند وقتی که شما میگوئید نماینده اول دولت یعنی این آقا مأمور اجرای قوانین در حوزه خودش است بنابراین اینهمه شکایات واینهمه اجازه ها واینهمه کسب دستورها و اینهمه قرطاس بازیها برای چیست ؟ آقایان این چند ورق را آورده اند که هیچ چیزی تویش نیست وبقول آقای عمیدی نوری گفته اند که اگر خواستند مناقصه بازی نکنند ، نکنند، ازاین ممکنست صرفنظر بفرمائید ، بامطلب ششم ماده ۱۴ که ازاین ببعد نگوئید استان سوم و استان دهم بگوئید استان آذربایجان (صدرزاده - این که خیلی عیب ندارد) جناب صدرزاده من در آنجایش عرضی ندارم آنچه من میخواهم بگویم این است که جناب آقای وزیر کشور یکقدری بار خودشان راسبکتر بکنند و به امور کشور رسیدگی بکنند نه بامور قطعات کشور جنابعالی آقای اتابکی که پشت یك میز باهمدیگر بزرك شده ایم، اگر بعنوان وزیر کشور توانستید این را برای مملکت تأمین بکنید که یکشب اتفاق نیفتد که در تهران ده نفره دزدی نشود، این خیلی قابل تأسف است آقایان اطلاع دارید که یك خانه در تهران نیست که سرقت نشده باشد این کارهائی است که شما باید بکنید ، باید قول بدهید که انجمن شهر تهران را تشکیل بدهید ، اینقدر شما وظایف دیگری دارید که بنامه آقای فرماندار لاهیجان که از آقای مهندس جفرودی شکایت کرده است نخواهید رسید که آن محل را جواب بدهند بعلت این که کارهای مهمتری دارید بنابراین اختیارات استانداران را زیادتر بکنید . این پیشنهاد را من تقدیم مقام ریاست میکنم که مطرح بشود و آقایان دقت بفرمایند البته رأی اکثریت مناط کار است و نترسید از این که فلان استاندار بداست اگر بد بود البته میتوانید بازرسی بکنید بازخواست بکنید وتغییرش را بخواهید همانطوری که میتوانید تغییر دولت را بخواهید این حق شماست این ها اختیاراتی است که مجلس شورای ملی دارد والبته نظر آقایان تأمین میشود بنابراین بنده با ماده ۱ بصورت تنظیمی مخالفم، پیش نهادی تقدیم میکنم که در وقتش مورد بحث قرار خواهد گرفت، وامیدوارم که ما بتوانیم ازاین فرصت استفاده بکنیم وبرای تقسیمات کشورمان کاری بکنیم که بدرد مردم بخورد نه این که فقط عبارت بنویسیم .

رئیس - آقای صدرزاده (صدرزاده - عرضی ندارم) آقای دکتر امین (گفته شد - نیستند) دیگر کسی اجازه نخواسته پیشنهادات این ماده قرائت میشود .

(بشرح ذیل خوانده شد)

مقام ریاست مجلس شورای ملی

پیشنهاد می نمایم جمله (به استثنای دادگستری) بعد از جمله ادارات دولتی در ماده ۱ لایحه اضافه شود .

صارمی

پیشنهاد می نمایم ماده اول این طور اصلاح شود :

ماده اول - استانداران در حوزه مأموریت خود نماینده اول دولت و مسئول مراقبت در اجرای سیاست عمومی دولت هستند و بر کلیه ادارات دولتی مربوط بقوه مجریه محل ، ریاست عالیه وحق نظارت به امور ادارات فوق دارند .

تبصره - استاندار از بین نخست وزیران و وزیران سابق و یا کارمندان عالیمقام وزارت کشور که بیش از بیست وپنجسال خدمت وزارت کشور نموده ودر بین مردم بامانت وکفایت معروف باشند انتخاب میشود .

عمیدی نوری

مقام ریاست مجلس شورای ملی

پیشنهاد میشود در ماده اول بجای (نماینده اول ادارات) نوشته شود (تنها نماینده دولت) محمد فضائلی

مقام ریاست مجلس شورای ملی

پیشنهاد میشود در ماده اول قسمت اخیر بترتیب ذیل اصلاح شود .

وبر کلیه ادارات دولتی محل ریاست وحق نظارت و بازخواست در تمام امور حوزهٔ مأموریت خود دارند .

محمد فضائلی

پیشنهاد میکنم ماده اول بطریق زیر اصلاح شود .

ماده اول - استانداران در حوزهٔ مأموریت خود نمایندهٔ اول دولت بوده و مسئول اجرای سیاست عمومی دولت وتأمین کلیهٔ احتیاجات حوزهٔ مأموریت خود بوده ونظارت تام در کارهای قوه مجریه حوزه استانداری خود دارند .

محمد شاهکار

۶ - تعیین موقع ودستور جلسه بعد - ختم جلسه

رئیس - جلسه را ختم می کنیم ، جلسه آینده روز سه شنبه خواهد بود ، دستورهم دنباله همین لایحه است .

(مجلس سه ربع ساعت بعد ازظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی -
رضا حکمت